



هفته نامه «پدیده شهر» بررسی می‌کند:

کارنامه ضعیف اصلاح طلبان شورا

۴

تاریخچه محله «مجیدیه»

۵

از دحام در مراکز معاینه

فنی با اجرای طرح L.E.Z

۶

روابط عمومی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به سوالات مهندسان مشاور در خصوص پروژه «سهیل» پاسخ داد:

ساخت مجموعه فرهنگی ورزشی و تجاری بر اساس طرح تفصیلی بود نه احساس!

۹

مدیرکل دفتر نظارت بر طرح‌های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی در رابطه با پروژه «سهیل» مطرح کرد:

اعلام تخلف به مراجع قضایی

۹

همه شهرداران شهر تهران

۱۱

در نشست شوراییاران محله «مجیدیه» تهران با سردبیر هفته نامه «پدیده شهر» مطرح شد:

همزیستی صمیمانه و مسالمت آمیز مسلمانان و مسیحیان

۵



اینجا؛ نان، عشق و کار رویایی است پشت پلک کودکان!

۱۰

قالیباف: از نقد غیر منصفانه پرهیز کنیم

محمدباقر قالیباف شهردار تهران در اختتامیه پنجمین جشنواره «تئاتر شهر» از منتقدان بی انصاف کلیه کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدباقر قالیباف شهردار تهران شامگاه سه شنبه ۳۰ شهریورماه در مراسم اختتامیه پنجمین جشنواره «تئاتر شهر» ضمن تبریک عید غدیر و با یادآوری از دست رفتگان هنر و زنده یاد داوود رشیدی گفت: من شرمندم یکایک جوانان عزیز و پیشکسوتان فرهنگ و هنر کشور هستم که با همه تلاش ما، همچنان به قدر استعداد جوانان و جمعیت ۹ میلیونی تهران فرصت و زیرساخت مناسبی برای پرورش استعدادها فراهم نشده است.

وی افزود: من به عنوان یک مدیر اجرایی این شرمندگی را دارم اما به گمانم دیگر مدیران اجرایی در سطوح بالای مدیریت نیز باید این شرمندگی را متوجه شوند و به جای اینکه قضاوت‌های غیر منصفانه را به کنندگان بدهند و در حالی که خود مسئولیتی داشتند و آنچنان که باید نتوانستند در این عرصه خدمتی کنند داشته باشند.

شهردار تهران تاکید کرد: چندی پیش نوشته‌ها و بیاناتی را خواندم که بسیار نامنصفانه بود. مساله اینجاست بیش از دود و دود و دود وظیفه رسیدگی به بخش فرهنگ و هنر و زیرساخت‌ها به عهده همین کسانی بود که چنین مسائلی را مطرح می‌کنند. من ابتدا به آن صحبت‌ها به دیده انتقاد نگاه کردم اما بعد مروری به فعالیت‌های خودم از زمانی که در پلیس تهران شروع به فعالیت کردم، داشتم. من اولین اقدامی که در پلیس تهران انجام دادم این بود که نگاه به پلیس را از شکل امنیتی به شکل جامعه محور تبدیل کنم و مردم جرات کنند بر اقدامات پلیس نظارت کنند.

قالیباف افزود: در همان زمان ما جشنواره فیلم کوتاه «۱۱۰ ثانیه‌ای» راه انداختیم و هنوز آن ۲۵ فیلمی که در آن جشنواره برگزیده شد در خاطر من هست و یا جشنواره فیلم «پلیس»، «الستارت زدیم و آثاری همچون سریال «خواب و بیدار» و «انیمیشن «سیاسکتی» را آن زمان کلید خورد. من هنرمند نیستم اما با تمام وجود معتقدم یکی از مولفه‌های ارتقای فرهنگی کشور توجه به هنر و هنرمندان است. وی در سخنانی عنوان کرد: وظیفه من در مدیریت شهری برای خدمتگزاران به عرصه فرهنگ و هنر و توجه به مسائل اجتماعی شهر سنگین تر است، خصوصاً باید توجه ویژه‌ای به آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم و لول و اینکه وظیفه قانونی شهرداری نباشد اما بدون شک وظیفه انسانی یکایک ما به شمار می‌رود.

شهردار تهران بابیان اینکه شهرداری متعلق به مردم است، گفت: من در اولین جلسه‌ای که در شهرداری در سال ۸۴ داشتم بر این نکته تاکید کردم که رویکرد شهرداری اجتماعی و فرهنگی است. من دغدغه جوانانی را که در عرصه هنر فارغ التحصیل می‌شوند و بسیار هم با استعداد هستند اما جایی برای پرورش استعدادها ندارند ندارم. برای زیرساخت‌های فرهنگی و هنری تلاش بسیاری در این سال‌ها شده است و توسعه چندین برپایه را شاهد بوده‌ام اما شاید همچنان انتظار اهل هنر و پیشکسوتان پرآوردند نشد باشد.

این مدیر اجرایی اضافه کرد: از من به عنوان یک مدیر اجرایی توقع نمی‌رود که دست به قلم برم و کار تولید محتوا را انجام دهم اما این توقع بود که حداقل سالن‌های سینما و سالن‌های تئاتر این شهر و عرصه‌های توسعه فرهنگی شهر را در این دوره زمانی کوتاه چند برابر کنم. امروز نیز خوشحال هستم که بخش کوچکی از این وظیفه را انجام دادم، اما نتوانستیم آن چنانی که زبیده شما پیشکسوتان عرصه فرهنگ و هنر و خصوصاً استعدادها جوانان است، کار کنیم چرا که جوانی جوانان غیر قابل بازگشت است. من نتوانستم زیرساخت‌ها را به گونه‌ای توسعه دهم که یکایک شما بتوانید در این عرصه عرض اندام کرده و خلاقیت‌های خودتان را به خانواده‌ها و پدر و مادرانتان نشان دهید و وقتی این کم کاری را از سوی مسئولان می‌بینم، احساس شرمندگی می‌کنم. وی در پایان نیز اظهار امیدواری کرد که به جای نقد غیر منصفانه به نقد منصفانه روی بیاوریم.

آقای قالیباف! حجم نارضایتی از شهرداری خیلی بالاست

۲



عابدین سالاری اسکر

معاون خدمات شهری شهرداری تهران خبر داد:

پیشرفت ۶۰ درصدی تهیه اطلس قنوات شهر تهران

تهران، مطالعات کارشناسی نیز در خصوص استفاده از گونه‌های گیاهی متناسب با شرایط اقلیمی شهر تهران صورت گیرد که به آب کمتری نیاز داشته باشد.



معاون خدمات شهری شهرداری تهران با ذکر این نکته که اقدامات بسیار خوبی در بحث توسعه فضای سبز شهر تهران در یک دهه گذشته انجام شده است،

وی در ادامه گفت: خوشبختانه در چند سال گذشته برنامه ریزی‌های خوبی برای منابع ذخیره آب صورت گرفته است.

یزدانی با تاکید بر اهمیت لزوم بازسازی و ساماندهی قنوات شهر تهران، اذعان کرد: تهیه اطلس قنوات شهر تهران با پیشرفت ۶۰ درصدی در حال انجام است. وی بر ارائه آمار صحیح از تعداد قنوات در سطح مناطق ۲۲گانه تاکید کرد و گفت: تعداد و وضعیت چاه‌ها باید به سرعت تعیین تکلیف شوند.

یزدانی در ادامه بر تشکیل تیمی متشکل از سازمان بوستان‌ها، مشاورین امور آب خام و روسای فضای سبز مناطق ۲۲گانه تاکید کرد و گفت: پس از احصاء آمار واقعی از تعداد چاه‌ها و قنوات برای رسیدن به نتیجه مطلوب در راستای آبیاری فضای سبز شهر

به گزارش شهروشنوشت و به نقل از معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، مجتبی یزدانی در نشست با مشاورین امور آب خام و روسای فضای سبز مناطق ۲۲گانه که با حضور مختاری، مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران و دیگر مدیران این سازمان برگزار شد، پس از استماع گزارشات و توضیحاتی در خصوص طرح جامع آب خام و افق این طرح، گفت: اجرای طرح جامع آب خام در دهه گذشته توسط شهرداری تهران آغاز و تاکنون اقدامات بسیار خوبی در این زمینه صورت گرفته است.

یزدانی با اشاره به بحران آب در کشور گفت: با توجه به بحران کم آبی برنامه ریزی‌های لازم برای استفاده درست و بهینه از آب‌های غیرشرب در آبیاری فضای سبز شهر تهران صورت گیرد.

جرثقیل‌های کارگاه‌های ساختمانی شمال تهران بازدید ایمنی می‌شوند

جرثقیل‌های تاور کرین در کارگاه‌های ساختمانی بلند مرتبه شمال تهران در راستای طرح نگهداشت شهر و با هدف ارتقاء سطح ایمنی نظارت مستمر می‌شوند.

به گزارش خبرگزاری مهر، محمد رضایپور رییس اداره حریم و کنترل کارگاه‌های ساختمانی شهرداری منطقه یک با بیان خبر فوق اظهار داشت: در حال حاضر حدود ۲۱۸ تاور کرین در کارگاه‌های ساختمانی شمال تهران مشغول فعالیت هستند که با برنامه ریزی انجام شده در سطح نواحی ۱۰ گانه، به صورت مستمر مورد بازدید و کنترل قرار می‌گیرند.

وی افزود: بازدیدها توسط کارشناسان شهرداری نواحی ده گانه انجام و پس از بازرسی دقیق از جرثقیل‌ها گواهی نامه صلاحیت در حرفه‌ای اپراتور و گواهینامه فنی از مراجع ذیصلاح اخذ می‌شود.

صدای محله‌های تهران است

سیاسی
اجتماعی
فرهنگی



اختصاص ۲ درصد از بودجه شورای شهر تهران به رفاه کارکنان

مرتضی طلایی ضمن حضور در جشن ولایت کارکنان شرکت بهره برداری مترو تهران با تقدیراتی از مدیر عامل این شرکت برای برگزاری این جشن افزود: این کار در نوع خود بی نظیر است چرا که با حداقل هاز حداکثر توان استفاده شده تالصالات خوبی برای کارکنان ایجاد شد. وی با تأکید بر اینکه شورای شهر توجه ویژه‌ای به معیشت و رفاه خانواده کارکنان و باز نشستگان دارد خاطر نشان کرد: نگاه ما توجه مدیران به رفاه، مسکن، معیشت و خانواده کارکنان به عنوان یک اصل مدیریتی است و در حال حاضر هم شهر در بودجه ۲ درصد از محل اعتبارات را به این امور اختصاص داده اما مدیریت سازمان هر مقدار که از بودجه سازمان در این حوزه‌ها صرف کند در واقع هزینه نکرده بلکه این کارها یک سرمایه گذاری زیربنایی است که ما آثار و برکات آن را در افزایش بهره‌وری و خدمت بهتر به شهروندان خواهیم دید. ناظر رئیس شورای شهر تهران از اختصاص ۲ درصد از بودجه شورای شهر به وضعیت رفاهی کارکنان خبر داد و گفت: توجه مدیران به رفاه کارکنان یک اصل مدیریتی است.

بر آنها مترتب است. یکی دیگر از روش های قضاوت راجع به میزان رضایت مندی مردم، نگاه کارشناسان و نخبگان جامعه شهری و بویژه مخالفان و منتقدان می باشد که در این خصوص عمده قضاوت ها انتقادی می باشد. از طرف دیگر در کشور ما به دلیل اینکه مدیران شهرداری گاه‌ها تمایل به حضور در انتخاباتهای مختلف مانند ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس دارند، میزان آراء آنها در مقاطع مختلف می تواند به عنوان یک معیار نسبی از میزان محبوبیت اجتماعی آنها تلقی گردد. در این خصوص کارنامه شهردار کنونی تهران و میزان آراء وی در تهران یک معیار نسبی قابل بررسی و تحلیل می باشد. به باور نگارنده کنار همه روشها و ابزارهای فوق پدیده شورایی ها را می توان یکی از کم نقص ترین ابزارهای قضاوت راجع به عملکرد مدیریت شهری دانست. برای این ادعا پایه های استدلالی محکمی می توان ارائه کرد. شوراییان منتخب و نماینده مستقیم مردم هستند. در مدل های مختلف رای آوری در ایران، شوراییان و نمایندگان شهرهای کوچک از یک ویژگی خاص و منحصر به فرد برخوردار می باشند، بدین معنا که شناخت مردم از آنها چهره به چهره و فردی می باشد. از طرف دیگر شوراییان تکرر اجتماعی، اقتصادی و تحصیلاتی معادل و همگن به جامعه شهری تهران دارند، بدین معنا که همه اقدار و گروههای اجتماعی در آن حضور دارند و از سوی دیگر حوزه فعالیت و چارچوب ماموریتی آنها صرفاً در تعامل با مدیریت شهری و شهرداری می باشد. این سه مخصه گفته شده، باعث شده که درک و دریافت شوراییان بتواند در صورت فراهم شدن بستر فضای باز و آزاد برای آنها جهت طرح دیدگاههای واقعی خود، یکی از بهترین معیارها برای قضاوت در خصوص عملکرد مدیریت شهری و شهرداری باشد. به عبارت دیگر میزان ارباب(bias) آنها در این حوزه بسیار کمتر از سایر روشهای پیش گفته در ابتدای نوشتار می باشد.

نگارنده در سه ماه گذشته در میان شوراییان مناطق یک، دو، چهار، شش، هفده، هیجده، بیست، بیست و دو و محله مجیدیه و... شخصاً

رضایت مندی مردم و افکار عمومی از شهرداری دارد. از حیث اجتماعی نیز این رضایت مندی بسیار موثر است و می تواند سرمایه اجتماعی ارزشمندی محسوب شود. از زوایه حکومت داری دینی و بر اساس آنچه پیشوایان اخلاقی و دینی ما توصیه کرده اند، نیز این مقوله جایگاه بسیار مهمی دارد. بنابراین می توان از زوایای گوناگون استدلال کرد که رضایت مندی مردم و نخبگان هم شرط لازم و هم شرط کافی برای اداره مطلوب و کیفی شهر تهران می باشد. این رضایت مندی ریشه در کیفیت اداره شهر تهران و خدمات ارائه شده توسط شهرداری دارد.

پس اگر رضایت مندی مردم و نخبگان مهم است، سوال اساسی این است که چگونه می توان میزان این رضایت مندی را محاسبه و آنالیز کرد؟ مراجعه به ادبیات موضوع در جوامع دیگر نشان می دهد که روش های کمی و کیفی مختلف در این خصوص ارائه شده است. به عنوان مثال در مطالعات انجام گرفته در شهرهای بزرگ در کشورهای پیشرفته برای محاسبه میزان رضایت مندی مردم مدل های کمی و آماری مناسبی ارائه کرده اند. بدین معنا که در ابتدای برای رضایت مندی شاخص و معیارهای کمی و کیفی تعریف کرده و سپس با تعیین نمونه های آماری براساس قواعد علم آمار، اقدام به نظرسنجی های دقیق و تعبیر عملی کرده اند. نهایتاً براساس نتایج آن نسبت به میزان این رضایت مندی قضاوت کرده اند. در ایران نیز مطالعات با الگوی گیری از آنها توسط برخی دانشجویان در دانشگاه ها انجام شده است. سوی از این مسائل معمولاً در شهرداری نیز یکسری زیرساخت ها مانند برخی سامانه های تلفنی مانند ۱۳۷ و ۱۸۸۸ تعبیه شده که نظرات و دیدگاه های مردم را دریافت کند. یا گاه‌ها مدیران شهرداری در میان مردم حاضر شده و یا جلسات ملاقات عمومی دارند و یا اینکه بخش مطالعات فرهنگی شهرداری در زمان انجام مطالعات خصوص پروژه ها اقدام به نظرسنجی در خصوص آن پروژه ها می نماید... به هر حال همه روش های فوق یکسری نقاط قوت و ضعف دارند و یکسری محدودیت ها به لحاظ مفهومی و روشی

در حکومت مردم سالاری دینی اطلاع از اینکه مردم به چه فکر می کنند و نظراتشان نسبت به مسائل چگونه است، از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا بر اساس آن اجزای حکومت می توانند از میزان رضایت مندی مردم مطلع شده و برنامه ها و اقدامات خود را بر اساس بازخوردهایی که می گیرند، تنظیم کنند. در تبیین آثار مثبت کسب و اعمال نظرات مردم در مدل های مدیریتی بحث های مفصلی در حوزه اندیشه و نظر صورت گرفته است. در خصوص مدیریت شهرداری مساله رضایت مندی مردم و افکار عمومی اهمیت و جایگاه خاصی تری پیدا می کند. چرا که شهرداری بیشترین سطح تماس با مردم را دارد و به عبارتی تنها دستگاهی است که از بدو تولد تا مرگ با شهروندان سر و کار دارد. از طرفی مدل تامین مالی شهرداری براساس سیستم درآمد - هزینه استوار می باشد. بدین معنا که شهرداری باید ریال، ریال درآمد خود را به نحای مختلف (عوارض، بهای خدمات، جرائم و...) از شهروندان کسب نماید و آن را برای مردم در قالب (طرح های عمرانی، اجتماعی، فرهنگی، نگه داشت شهر و...) هزینه کند. از این رو اساساً میزان درآمد و هزینه شهرداری ارتباط معنی داری با میزان مشارکت و رضایت مندی مردم دارد. بیان مثال هایی در این حوزه می تواند صورت مساله را روشن تر سازد. گفته می شود روزی حداقل بیش از یک میلیارد تومان هزینه جمع آوری زباله در تهران است. فرض کنید که مردم احساس کنند باید این هزینه را با تفکیک در منزل کاهش دهند آن وقت به روشنی معلوم می شود این هزینه می تواند به درآمد تبدیل شود و یا بسیار کاهش یابد یا فرض کنید شهروندان بدهی های خود را به شهرداری در موعد مقرر پرداخت نمایند و آنچه الان وجود دارد اتفاق نیفتد یا مثلاً شهروندان در برنامه های ایجابی و درخواست های شهرداری در مشارکت ها همراهی نمایند آن زمان نه تنها هزینه اداره شهر پایین می آید، بلکه چشم اندازی متفاوت از توسعه تهران رخ می دهد. مثالهای زیادی را در حوزه های دیگر می توان لیست کرد که همه آنها ریشه در نوع نگاه یا به عبارت دقیق تر میزان

آقای قالیباف! حجم نارضایتی از شهرداری خیلی بالاست

دغدغه ای ندارند که مشکل منطقه ۱۷ را حل کنند!

شهرداری کجایی؟! ساختمان های تخریب شده صرفاً خاک می خورند!

خرید ساختمان مترو که ۱۵ سال ساخت؛ با قیمت ۶ میلیارد تومان!

در بیشتر موارد به نتیجه مطلوب نرسیده ایم!

مسئولین فربه تر، فقیران فقیر تر می شوند!

تمام منطقه با گرد و خاک یکی می شود! آیا برای منطقه یک و دو هم این اتفاق می افتد؟

در مناطق شمالی شهر پروژه های گران قیمت به سرعت به اتمام می رسد، ولی اینجا کار ساماندهی خط راه آهن، هنوز روی زمین مانده است!

به اندازه دو، سه متر هم فضای سبز نداریم!

از «فلکه دوم صادقیه» تا «یادگار امام» همه پاساژ شده، بدون اینکه یک پارکینگ اضافه شود!

همه چیز رابطه ای است

فئودالهای جدید؛ بانکها و نهادها

تمام کارهای شهرداری کلیشه ای است

شعار محله محوری از حرف تا عمل فرسنگها فاصله دارد!

تا ساعت ۱۱ صبح محله پر است از بوی زباله!

افزایش واحدهای تجاری باعث شده مسافت ۲۰۰ متری را ۴۸ دقیقه طی کنیم!

شهرداری فرحزاد را یک چاه نفت می داند

چرا الان خیانت اینقدر بالاست و کسی هم جرات حرف زدن ندارد؟!

شهرداری منطقه هیچ قدمی در زمینه ارائه خدمات برد نداشته است

خاطره خوشی از شهرداری نداریم

فضولات انسانی از «اوین درکه» تا «بوستان گفتگو»



چهارمین همایش شعر زنان عاشورایی و انقلابی برگزار می شود

چهارمین همایش بین المللی شعر زنان عاشورایی و انقلابی ۲۴ آبان ماه با همکاری «بنیاد آیه های ایثار و تلاش» و مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری برگزار می شود. به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران (watan.ir) چهارمین همایش بین المللی شعر زنان عاشورایی و انقلابی ۲۴ آبان ماه با همکاری «بنیاد آیه های ایثار و تلاش» و مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری برگزار می شود. زنان شاعران سراسر جهان و ایران می توانند آثار شعری خود را به دبیرخانه این همایش به نشانی Aayehaye_issari@yahoo.com ارسال کنند. مهلت ارسال آثار (صرفاً شعر) تا تاریخ ۲۴ مهر ماه است. به گزارش وطن، علاقمندان به شرکت در این همایش برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن ۰۲۱۶۶۷۵۷۲۱۲ و ۰۹۱۲۱۴۹۵۹۲۴ تماس حاصل کنند.

۱۲ صفحه ۳ سال سوم ۳ دوره جدید، شماره: ۹، شنبه ۳ مهر ۱۳۹۵ September 24, 2016 www.padihshahr.com telegram:@padihshahr instagaram:padihshahrweekly

پدیده

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

۳ تحلیل



اگر پروژه خیابان بروجردی در شمال شهر بود، اینقدر طول می کشید؟



محل ما واقعا مثل یک دهات است



کوچه های دهات ما از اینجا خیلی بهتر است!



شهرداری برای خدمتگزاری یک ریال هم خرج نمی کند!



زیر پونز سمت چپ نقشه تهران قرار گرفته ایم!

گرچه شهرداری در این بخش مسئولیت مستقیم ندارد، لیکن می تواند سهم موثر و بی بدیلی داشته باشد. عمده فضاها بی دفاع شهری و جاهایی که می تواند بستر مناسبی برای شیوع و گسترش این پدیده های اجتماعی باشد، به نوعی به شهرداری مرتبط می باشد. در مواردی نیز برخی مطالبات مانند تامین یک کیوسک نگهداری و ... حداقل هایی است که شهرداری می تواند به راحتی تامین کند (مصدق و موارد درخواست حتی یک کیوسک بارها وبه کرات توسط شورایاران مطرح شده است).

انحراف مساله محله محوری: شهرداری تهران کوشیده است در عرصه رسمی و رسانه ای اینگونه وانمود کند که راهبرد اصلی مدیریت شهری محله محوری است بر همین اساس نیز سراهای محله را بوجود آورده است. اما اکثریت بالایی از شورایاران قضاوت دیگری نسبت به این مساله دارند. به باور آنها مدل تصمیم گیری و تخصیص منابع و اولویت های شهری همچنان از بالا به پایین و دستوری می باشد و آنچه از موضوع محله محوری عملاً محقق شده است برگزاری یک سری کلاس ها آن هم با غلبه جمعیتی بانوان در سرای محله است. از این رو مساله مشارکت اجتماعی و بهره گیری از سرمایه اجتماعی عملاً وارد سازوکار اصلی و اصولی خود نشده است و توانسته منشاء اثر شود.

عدم هماهنگی با دستگاه های اجرایی و دولتی: یکی از معضلات و چالشهایی که به وفور توسط شورایاران مطرح می شود، مساله عدم هماهنگی میان دستگاه های دولتی و شهرداری می باشد. در برخی مناطق این مساله باعث ایجاد مشکلات بزرگ با بعد زمانی بیش از یک دهه برای اهالی این مناطق شده است. مصداق عینی این مساله بفرنج وضعیت راه آهن در منطقه ۱۷ می باشد. تصور مردم و شورایاران در این منطقه این است که شهرداری در اینجا انتفاع مادی و درآمدی ندارد و در نتیجه انگیزه برای حل این معضل ندارد. طبیعی است که راه آهن نیز به دنبال منافع سازمان خود باشد و دلش برای مردم این منطقه نسوزد. به نظر می رسد این چالش هم ریشه سیاسی داشته باشد و هم ریشه نوعی اختلاف نظر در تعیین اولویت های اداره شهر. البته در این ناهماهنگی و تضادهای سازمانی تنها شهرداری مقصر نیست، اما خروجی آنها عملاً نارضایتی مردم است.

نحوه ی هزینه کرد در شهرداری: تصور بخش عمده ای از شورایاران این است که شهرداری ریخت و پاش زیادی دارد. علاوه بر این، در هزینه کردن نیز بر اساس

بهرتر است (مثالهای متعددی از این دست می توان ارائه کرد). به نظر می رسد که جامعه توان و تحمل ذهنی پذیرش کمبود منابع و امکانات را داشته باشد، اما توان و تحمل هضم تبعیض در توزیع منابع و امکانات را ندارد. شاید شهرداری در این خصوص اقدامات زیادی کرده باشد و آن گونه که مدیران ارشد شهرداری می گویند فاصله شمال و جنوب را کم کرده اند، اما حس عمومی و ذهنی مردم این گونه نیست.

نگاه درآمدی و پول زایی به برخی مناطق تهران: این نگاه که شهرداری در برخی مناطق (مناطق مانند ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) عمدتاً به دنبال کسب پول و درآمد است، میان شورایاران عمومیت دارد. در تصور اینها برای شهرداری مهم نیست که کیفیت زندگی در این مناطق چگونه است، بلکه برای شهرداری مهم این است که شهرداری با تراکم فرشی، تغییر کاربری، تجاری سازی، حذف پارکینگ و... به دنبال کسب پول برای اداره خود و خرج کردن آن در سایر مناطق است. به نظر می رسد این مدل از اداره تهران نوعی ناپایداری را ایجاد کرده است و این ناپایداری در آینده می تواند به اشکال مختلفی خود را نشان دهد.

حجم بالای مشکلات و نیازها: در برخی مناطق بالای ۹۰ درصد مطالب گفته شده توسط شورایاران ناظر به ترسیم شرایط نامطلوب زندگیست. این مشکلات در حوزه های مختلف و با بیان های مختلف توسط شورایاران مطرح می شود. گاهی پیش آمده است که حقیر از آنها خواسته ام با نگاه مثبت مسائل خود را مطرح کنند، اما عملاً مطلب قابل توجه ای ارائه نشده است.

مشکلات خاص مناطق و محلات تهران: علاوه بر مسائل مشترک فوق برخی موضوعات اختصاص به مناطق دارد. به عنوان مثال یکی از مشکلاتی که در برخی مناطق گفته می شود، مساله مرزهای جغرافیایی و کابردی محلات که منشا مشکل و چالش برای مردم شده است یا میزان بهره مندی برخی از مناطق از سانه های خدماتی بسیار پایین است. یا در مناطق مانند ۱۷ و ۱۸ بودجه اختصاص یافته به منطقه تنها تکافوی یک یا دو پروژه با مقیاس متوسط را می دهد، در حالیکه تلی از مسائل و مشکلات در این مناطق هویدا و آشکار است که در صورت عدم توجه و تخصیص منابع بیشتر مسائل آنها برای دهه های آتی باقی خواهد ماند. نامنسی و آسب های اجتماعی: این معضل فصل مشترک همه شورایاران در همه مناطق تهران می باشد چه در منطقه یک و چه در منطقه بیست.

کدام یک به واقعیت نزدیکتر است:

منطقه ۲۲ قلمک یا تفرجگاه تهران!



در نشست هم اندیشی دبیران شورایاری منطقه ۱۸ با سردبیر هفته نامه پدیده شهر مطرح شد:

۶۵ میلیارد تومان برای

کوهی از مشکلات



در نشست هم اندیشی دبیران شورایاری منطقه ۶ مطرح شد:

بافت مسکونی قلب تهران در آستانه نابودی



در نشست هم اندیشی دبیران شورایاری منطقه ۱۷ با «پدیده شهر» با اشاره به مشکلات خط راه آهن برای ساکنان منطقه، مطرح شد:

شهردار، عضو شورای شهر و مدیرعامل راه

آهن هیچکدام برایشان مهم نیست!



علل عقب ماندگی؛ نگاه درآمذزایی به منطقه ۲۲



اولین و آخرین قربانی هستیم!



شهرداری هر چیزی را که ساخته است به دنبال کسب درآمد بوده است



تنها در برج سازی رتبه اول را داریم و دیگر هیچ



باتغییر کاربری بی رویه؛ سکنه به پشت رینگ رفته اند



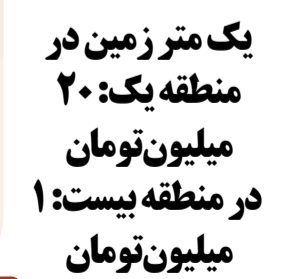
منطقه ۲۲؛ دودکش تهران



رشد قارچ گونه مراکز اداری در منطقه شی



یک متر زمین در منطقه یک: ۲۰ میلیون تومان در منطقه بیست: ۱ میلیون تومان



توزیع امکانات شهری بین مناطق یک و ۲۰ ناعادلانه است



اختلاف منطقه ۲۰ با منطقه یک تفاوت جهان سوم با اروپاست!



چگونه بافت شهری پژمرده می شود؟

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، دکتر احمد زنگنه، از اساتید برجسته برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، در یادداشتی به تحلیل ویژگی‌های بافت فرسوده یا به تعبیر خودش بافت پژمرده پرداخته و معتقد است آسیب‌های اجتماعی در مناطق توسعه‌یافته تهران، همچنان مورد غفلت است و تحلیل‌گران، بیش از حد به مناطق مرکزی تهران متمرکز شده‌اند. متن این یادداشت را با هم مرور می‌کنیم:

اصطلاح بافت فرسوده، جریانی است که عمدتاً توسط دستگاه‌های اجرایی بر اساس نگاه کالبدی و فیزیکی تعریف شده و کمتر ناظر بر عملکرد آن است و به نظر می‌رسد برای بررسی این بافت باید اصطلاح شمول‌گراتری که ناظر بر عملکرد و نقش آن در پیکره شهری باشد را جایگزین کرد که بر این مبنا زوال شهری یا پژمردگی بافت شهری شاید معادل مناسب‌تری برای این مبحث باشد. بافت پژمرده شهری در همه جوامع و شهرها وجود دارد و به عنوان بدنه مرکزی شهری، شهرت می‌گیرد، چنین پیشامدی برای پیکره شهرها که با انقلاب صنعتی و رشد شهرها آغاز شده و با تغییر عملکرد و مهاجرت سرمایه‌داران و جایگزین شدن قشر فقیرتر، نمایه متفاوتی از شهر ارائه می‌کند. این تغییر ورژن شهری، در آثار بزرگانی نظیر چارلز دیکنز به عنوان ماوی طبقه کارگر و فقیر نشین، خودنمایی می‌کند.

چگونه بافت شهری پژمرده می شود؟

باتوجه شهرها، هسته اولیه و مرکزی شهر که بر اساس یک کارکرد اقتصادی؛ نظیر بازار، تعریف شده امکان احیا و نوسازی به علت نوع بافت فیزیکی؛ نظیر معماری ساختمان و معابر را پیدا نکرده و قشر پولدارتر، از هسته به سوی شمال شهر، کوچ کردند و جای خود را به اقل قشر فقیرتر دادند.

چنین اتفاقی در همه شهرهای بزرگ ایران؛ نظیر تهران، شیراز و تبریز، اتفاق افتاده است؛ چنان‌که در نخستین طرح تدوین شده در زمان رضاخان پهلوی در سال ۱۳۱۶ تنها لایه نخست خیابان نوسازی شد و فضای پشت آن، متروک ماند. به مرور پولدارها محلات مرکزی را رها کردند و طبقات اجتماعی کم‌درآمد، جایگزین آنها شدند و به علت نبود مدیریت شهری مناسب، عمل‌امحلات قدیمی متناسب با نیاز روز، نوسازی نشدند و تبدیل به تله‌های فقری شدند که با مدیریت از هم گسیخته شهری؛ نظیر سازمان‌های آب، برق، گاز، مخابرات و نبود نگاه منسجم شهری، تبدیل به جزیره‌های شهری شدند که امکان تبدیل و تغییر آنها به سادگی میسر نبود. فیلترینگی که سرمایه‌داران شهری را به حومه و فقیرترها رده هسته مرکزی شهر جامی دهد، از دهه ۴۰ به صورت ناخوشه، در ایران اجرایی شد و هم‌اکنون نیز با همین قاعده، حکمفرمایی می‌کند. از بعد از تدوین طرح جامع شهری، فرایند جابه‌جایی پرشتاب طبقات اجتماعی پر درآمد به حومه تهران، آغاز شد و زوال بافت مرکزی، با توقف توسعه و افت بافت آغاز شد و همچنان نیز ادامه دارد.

مشخصه‌های بافت پژمرده شهری کدامند؟

مهم‌ترین مؤلفه قابل ارزیابی بافت رو به زوال را می‌توان تنزل قیمت املاک این مناطق در مقایسه با سایر مناطق شهری دانست؛ به‌گونه‌ای که رشد قیمت در مناطق هسته‌ای، به مراتب کندتر از سایر مناطق شهری، ارزیابی شده و به تبع آن، کاهش ارزش افزوده را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین به شکل طبیعی، سرمایه‌گذاران املاک، حاضر به ساخت و ساز در بدنه رو به زوال نبوده و حاشیه سود بازار ایجاد می‌کند ساخت‌وساز در مناطقی که ارزش‌آوردن اقتصادی روشن‌تری بر خوردار هستند صورت گیرد. از سوی دیگر این مناطق به علت کثرت و فعالیت‌های اقتصادی و نیمه‌تعمیرات شهری؛ نظیر بازار محل پرتردد شهری، محسوب می‌شوند که سایر معضلات شهری؛ نظیر ترافیک، سروصدا، آلودگی و آلودگی رانینز به دنبال خود دارند. مناطق رو به زوال شهری، در خود فعالیت‌های اقتصادی فراوانی را اجای داده‌اند که از کار بردر دست‌ننگاهی به تجاری، تغییر کرده و فعالیت‌های متعددی را شامل می‌شوند؛ مثلاً در منطقه ۱۲ تهران که مناطق مجاور ۱۱-۱۳ و ۱۴ را نیز شامل می‌شود هنوز محلاتی نظیر صابون‌پزخانه‌رادر خود جای داده‌اند.

از مشخصات دیگر بافت‌های رو به زوال شهری می‌توان مهاجرت تک‌نفره و اسکان کارگرانی را نام برد که در منازل سرسرا که دارای اتاق‌های زیادی می‌باشد سکونت دارند و بستر جرم‌خیزی فراهم می‌شود. بنابراین این می‌توان گفت با وجود آنکه بافت‌های رو به زوال، با تعریف درست و کارکرد اقتصادی، مثل بازار، خلق می‌شوند، به مرور و با مهاجرت صاحبان مشاغل در بازار، عملکردش مالی سنگین اقتصادی در منطقه توزیع نمی‌شود و با توقف توزیع درآمد در محل، عمل‌افزاینده این مناطق، آغاز می‌شود.

۵۹۳ هکتار از بافت پژمرده تهران در مرکز قرار دارد

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته ۲ هزار و ۲۶۹ هکتار بافت فرسوده در تهران وجود دارد که ۵۹۳ هکتار آن، در مرکز تهران قرار دارد. مناطق ۱۲ و مناطق همجوار آن؛ نظیر ۱۱-۱۳ و ۱۵ و ۱۶ در این محدوده قرار دارند.

در این مناطق، ریزدانی‌ها، خنوار، به معنی اخص خود دیده می‌شود و موج وسیعی از افراد جویای کار که عمدتاً با اجار، امپهای اندک توانسته‌اند سرپناهی برای خود پیدا کنند، در این مناطق جای گرفته‌اند. ریزدانی‌های شهری، به‌هکری و عدم امنیت را در پی دارد تا راه هر گونه سرمایه‌گذاری جدید برای بخش خصوصی و دولت گرفته شود. هر چند توسعه تجاری‌سازی در مناطق یادشده، ادامه دارد و منازل قابل سکنی یا تخریب‌شده با سرعت زیادی تبدیل به ناهایر، بنکداران بازار، با مجتمع‌های تجاری و تولیدی می‌شوند. یکی دیگر از موانع توسعه و عمران شهری در مناطق فرسوده، پدیده وقف است که به عنوان یک چالش شهری از آن یاد شده است. وقف که سال‌ها پیش ملک را به منظور و با کاربرد به خصوصی وقف کرده است اکنون در قید حیات نیست و اداره اوقاف نیز نادر نظر گرفتن کلیات شرعی، اجازه نوسازی نمی‌دهد؛ لذا ملک که باید به تناسب زمان، عام‌المنفعه بودن خود را حفظ کند تبدیل به معضلی برای توسعه و عمران شهری می‌شود.

چگونه بافت فرسوده نوسازیم؟

به نظر می‌رسد نخستین گامی که می‌تواند به عنوان راه‌حل جلوگیری از توسعه بافت‌های فرسوده تلقی شود تغییر نگاه زیست‌محیطی و شهری با این بافت‌هاست. رشد بی‌ضابطه فعالیت‌های تجاری، در شرایطی که برخی از این سازه‌های شهری دارای ارزش تاریخی هستند و به عنوان نمونه‌های معماری شهری در یک دوره زمانی، باقی‌مانده‌اند باید پاسداری شود تا در آینده به عنوان برشی از تاریخ شهرسازی در گردشگری، بازتعریف شوند. توجه به مقوله فرهنگ‌شناسی و ارتقای سطح فرهنگی و اقتصادی مردمی که در این مناطق، ساکن هستند باید در اولویت قرار گیرد. اصالت‌بخشی و زیباسازی مناطق مرکزی با حفظ سبک معماری توسط مدیریت شهری نمی‌تواند سرآغاز تغییر فرهنگ و منزلت اجتماعی در این مناطق باشد.

این مناطق، به شکل طبیعی در معرض مهاجرپذیری کلانشهری نیستند؛ لذا مدیریت شهری با ساخت فرهنگسرا و افزایش مساحت فضای سبز می‌تواند ضمن پاسخ به نیاز تفریحی ساکنین این مناطق در کنترل آلودگی نیز نقش ایفا کند.

ترکیب شورای چهارم به گونه‌ای است که یک جمع ۱۳ نفره به نام اصلاح طلبان در آن حضور دارند. قضاوت در خصوص عملکرد این جمع از منظر بیرونی (رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی) با آنچه در واقعیت وجود دارد، متفاوت است. برای تبیین دقیق‌تر کارنامه اصلاح طلبان شورا در ابتدا لازم است که به آنالیز ویژگی‌های فردی آنها بپردازیم.

چهارنفر از این جمع، تجربه و دانش مرتبط با حوزه مدیریت شهری را در کارنامه خود دارد (یکی سابقه و تجربه طولانی در حوزه خدمات شهری، دیگری سابقه و تجربه کاری در حوزه عمرانی، و سومی هم سابقه شهرداری یکی از مناطق تهران و آخرینیز گتمه می‌شود در حوزه های معماری و شهرسازی سوابق کارشناسی دارد)

مابقی اعضا این جمع ۱۳ نفره، گرچه پست ها و مناصب بالایی در حد وزیر، معاون وزیر، استاندار و ... دارند، لکن تجربه و سابقه‌ای در حوزه ماموریت های مرتبط با مدیریت شهری ندارند.

امسال سال پایانی شورا است. از این رو ضرورت دارد که کارنامه سه سال گذشته این جمع که به اعتبار و اعتماد مردم وارد شورا شده اند، مورد ارزیابی قرار گیرد تا در سال آینده مردم بتوانند تصمیم مناسبی برای شورای بعدی اتخاذ نمایند. برای نیل به این قضاوت لازم است معیارها و شاخص های نمره دهی مطرح و بر اساس آنها نسبت به عملکرد شان داوری کرد.

معیار نظارت: کار ویژه اصلی شورای شهر به عنوان نهاد ناظر بر شهرداری مساله نظارت می باشد. این نظارت بر اساس معیارها و شاخص های زیر صورت می گیرد.

۱- برنامه های توسعه (برنامه چهارساله دوم) شهرداری

دقیق ترین معیار برای رصد فعالیت های شهرداری که قابل راستی آزمایی باشد، همین شاخص است. بررسی کارنامه جمعی اصلاح طلبان شورا نشان می دهد که در طول سه سال گذشته کمترین تذکر و انتقاد و بازخواست گروهی از این منظر صورت نگرفته است.

از حیث موضع گیری فردی نیز تنها یک عضو این جمع گأها در حوزه حمل و نقل و ترافیک به اعداد و ارقام برنامه دوم اشاره کرده است. بنابراین در این بخش کارنامه این جمع غیر قابل قبول و ضعیف است.

۲- بودجه سالیانه

دومین متر و معیاری که می توان بر اساس آن فعالیت های شهرداری را مورد قضاوت قرار داد، بودجه سالیانه شهرداری می باشد. از جمع ۱۳ نفره اصلاح طلبان تنها یک نفر در کمیسیون برنامه و بودجه شورا حضور دارد. از قضا این فرد کمترین موضع گیری را در حوزه برنامه و بودجه داشته است. شاید تنها اعتراضی که از این زاویه می توان برشمرد، شکایت عضو اصلاح طلب شورا از رئیس شورای شهر تهران به دلیل عدم ارسال جداول هزینه ای در بودجه سال جاری می باشد. بنابراین می توان گفت که در بخش برنامه و بودجه عمده مفهوم سازی و اطلاعاتی که در شورا مطرح می شوند، عمدتاً توسط یک عضو غیر اصلاح طلب شورا صورت گرفته است.

۳- حساسی

دقیق ترین معیار برای نظارت بر شهرداری از حیث سلامت مالی و قانونی مسئله حساسی ها می باشد. همگان به یاد دارند که مسئله حساسی سال ۹۲ از حیث رسانه ای ابعاد ملی و حتی فراملی پیدا کرد. حال مساله و سوال اساسی این است که نقش اصلاح طلبان شورا در کل این فرایند چه بود؟ و اساساً در کجای این داستان قرار داشتند؟ واقعیت این است که استراتژ این مساله توسط دو عضو غیر اصلاح طلب شورا کلید خورد و توسط رسانه های مخالف شهرداری تهران در بالاترین حد خود منعکس شد.

بررسی رفتار اصلاح طلبان شورا نشان می دهد که در ابتدای طرح این موضوع آنها سکوت پیشه کردند و آن را بازی سیاسی می دانستند و در ادامه عمدتاً نقش پیروی کننده و دسته چندم داشتند و حتی برخی از چهره های این گروه هنوز بعد از گذشت سه سال نمی دانند حقیقت حساسی های سال ۹۲ چه بود؟ مسئله عجیب تر این که بعد از تصمیم گیری رئیس شورا برای تغییر سبک بررسی حساسی ها، این گروه آنچنان در انفعال به سر بردند که

توانستند از این مسئله دفاع کنند که حساسی ها باید در منظر رسانه ها و افکار عمومی پیگیری شود. البته یک یا دو عضو این جمع در نقط های پیش از دستور خود گأها اشاراتی به مسئله حساسی ها داشتند.

۴- طرح تفصیلی و ضوابط شهر سازی

این مسئله نیز یکی از مهمترین معیارهای قضاوت در خصوص عملکرد شهرداری است. از این زاویه نیز، بجزه یک عضو اصلاح طلب شورا که تجارب فردی در این حوزه دارد و عضو دیگری که سابقه کار در شهرداری را دارد، کمترین اثری از تذکر و یا سوال و نظارت در سطح عمومی و رسانه ها یافت می شود. به نظر می رسد اساساً در این بخش بجزه دو، سه نفر از این مجموعه بقیه اساساً دانش کافی برای ورود به این حوزه را ندارند.

۵- نظارت فردی

در شورای شهر تهران معمولاً این فضا و امکان برای اعضاء وجود دارد که بر اساس بررسی ها و اطلاعات فردی می توانند بر شهرداری نظارت کنند. در این بخش نیز وضعیت چندان قابل دفاع نیست. یک عضو این مجموعه، عمدتاً در جلسات در حال تمرکز بر روی موبایل خود است و عضو دیگر بخش عمده ای از جلسات را غایب است و فرد دیگری از این جمع اساساً همیشه سکوت پیشه کرده است. یکی و دو عضو دیگر این مجموعه نیز یک فیلد محدود و خاص مثلاً در حوزه کودکان را انتخاب کرده و صرفاً در همان زمینه ها گاهی مطالبی ابراز می کنند. یکی دیگر از اعضا این مجموعه عمدتاً مسائل حوزه صنفی و گروهی خود را پیگیری می کند. دو نفر از این جمع نیز عمدتاً کارکرد سیاسی داشته و بیانیته های سیاسی می خوانند و موضع گیری سیاسی می کنند. یک نفر از اینها نیز باید رئیس شورا باشد یا این که در جلسات حضور نیابد و یا اگر در جلسات حاضر است عمدتاً سکوت می کند و مشغول امورات خود، البته دو، سه عضو این مجموعه از حیث نظارت فردی انصافاً وقت زیادی برای سرکشی به مناطق و ارتباط گیری با مردم می گذارند. و نقش تاثیر گذاری در امر نظارت فردی بر شهرداری دارند.

بنابراین آنچه که در امر نظارت توسط اصلاح طلبان اتفاق افتاده است، عمدتاً به صورت غیر سیستمی و ناظر به تلاش های فردی دو، سه عضو بوده است که تجربه ای در حوزه کار شهرداری دارند و مابقی آن عمدتاً از جنس مخالفت با شهرداری تهران از موضوع انفعال و مبتنی بر پدیده های واکنشی و انتقادی در شهر بوده است. به عنوان مثال گود ایران زمین نشست می کند یا اتوبوس اسکانیا تصادف می کند یا درجایی مترو فرو می ریزد یا چچه ای در پارک کشته می شود یا جایی آتش می گیرد یا بعد از انتشار اخبار مربوط به واگذاری املاک در شهرداری و مسائلی از این دست اتفاق افتاده است و بعد از آن برخی از چهره های این جمع در امر نظارت فردی نقش پیرویی داشته و دسته چندم هستند و حتی برخی از چهره های این گروه هنوز بعد از گذشت سه سال نمی دانند حقیقت حساسی های سال ۹۲ چه بود؟ مسئله عجیب تر این که بعد از تصمیم گیری رئیس شورا برای تغییر سبک بررسی حساسی ها، این گروه آنچنان در انفعال به سر بردند که

آمار بالای کودکان تحت پوشش مراکز حمایتی

به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران (watan.ir) سلمان خدادادی در واکنش به آمار کودکانی که در مراکز حمایتی نگهداری می‌شوند گفت: سازمان بهزیستی برای واگذاری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به خانواده‌های متقاضی باید مراحل کارشناسی شده‌ای را طی کند البته قانونگذار و سازمان‌های متولی شرایط فرزندخواندگی را تشریح و شفاف کرده‌اند، همچنین در آیین نامه قانون فرزندخواندگی نیز تکلیف برای متقاضیان و سازمان بهزیستی کشور معین شده است. نماینده مردم ملکان در مجلس شورای اسلامی، با یادآوری آمار بالای کودکانی که در مراکز نگهداری بهزیستی هستند، تصریح کرد: این آمار بسیار بالا و غیرمعمول است. با این حال سازمان بهزیستی باید شرایط را به گونه‌ای تسهیل کند تا مراحل فرزندخواندگی به راحتی سپری شود. این اقدام در بهبود وضعیت آینده این کودکان تاثیر مثبت دارد. وی با بیان اینکه فرزندخواندگی باید به شکل صورت گیرد که پس از واگذاری این کودکان بتوان مانع معضلات اجتماعی شد، افزود: با اصلاح قانون فرزندخواندگی شرایط نسبت به گذشته به خصوص در مورد درج نام این کودکان در شناسنامه سرپرستان تسهیل شده اما با توجه به آمار بالا و وجود متقاضیان بسیار، در واگذاری‌ها باید سرعت بیشتری به کار گرفته شود.



هفته نامه «پدیده شهر» بررسی می کند:

کارنامه ضعیف اصلاح طلبان شورا



شورا بر سر سر یک نظارت غیرسیاسی، تکنیکی و فنی بر سر مصالح و منافع مردم و شهر به یک توافق پایدار برسند به نحوی که به جرات می توان گفت عملاً مسئله نظارت شورا بر شهرداری تهران توسط این دو جریان سیاسی حاضر در شورا به گروگان گرفته شده است. هر دو گروه در بروز این پدیده موثر بودند. بخشی از جریان اصول گرای شورا تنها رسالت خود را دفاع تمام عیار از شهرداری می دانند و بخشی از جریان اصلاح طلب تنها رسالت خود را سیاه دیدن همه شهرداری می دانند. از این رو هیچ گاه بر سر امر نظارت به توافق نرسیده اند.

رساننده. ۳- معیار مبارزه با فساد و رانت خوری: یکی دیگر از معیارهای قضاوت در خصوص عملکرد فردی و گروهی در شورا میزان حساسیت و پیگیری در امر مبارزه با رانت و فساد می باشد. برای ارزیابی دقیق این وجهه از عملکرد اصلاح طلبان، لازم است مواردی که در این چند سال رسانه ای شده، بررسی کنیم تا معلوم شود آنها چه نقشی در آنها داشته اند؟ اولین مسئله جدی که در شورا مطرح شد مسئله حساسی ها در شورا بود که در بخش قبلی نوشتار نشان داده شده که اینها اساساً محلی از اعراب نداشته اند.

در خصوص پدیده اخیر «واگذاری املاک شهرداری» نیز نه استراتژ و شکل گیری این مسئله به اینها ربط داشت و نه اینکه توانستند مساله تحقیق و تفحص از شهرداری را به نتیجه برسانند، اما رسانه های وابسته به اصلاح طلبان توانستند بر روی این موج سوار شده و بهره برداری کنند. واقعیت نشان می دهد که در این پروسه نیز نقش پیرویی کننده و انفعالی داشته اند.

۴- میزان مشارکت در مباحث کارشناسی در زمان تصویب طرح ها و لوایح

از این نقطه نظر نیز به جزء چهار یا پنج نفر از اینها مشارکت قابل توجهی در این امر نداشته که این مسئله دلایل متعددی دارد، اما هرآنچه که هست اساساً نشان از ضعف تکنیکی و فنی آنها در مقولات مرتبط با شهرداری دارد. این جمع انتقادات فوق را پذیرا نیست و در دفاع از عملکرد خود موارد زیر را مطرح می کند که به نظر می رسد محل مناقشه و چالش کارشناسان شهری باشد.

دعوت از پنج وزیر در سال اول ریاست شورا: منتقدان بر این باورند که این حضور در صحن شورا بیشتر جنبه رسانه ای داشته است، تا اینکه منشا اثر برای حل مسائل و مشکلات شهر شده باشد. حفظ انسجام و وحدت گروهی: این ادعا در زمان رای گیری راجع به ریاست شورا به صورت سالی یکبار صدق می کند.

مسی گویند که دامن خود را به هیچ امتیاز و مطالبه فرافقانونی نیالوده اند: واقعیت این است که اساساً شهردار تهران در بسیاری از موارد اینها را در بازی وارد نکرده است که مطالبه ای در حد انتصاب افراد برای پست های مهم شهرداری داشته باشند. از طرفی حرفهای درگوشی برخی از چهره های این جمع ناقض این ادعا می باشد! البته می توان گفت این ادعا در مورد تعدادی از آنها صادق است.

به باور نگارنده این جمع در حد و اندازه یک گروه سیزده نفره قوی و کارآمد ظاهر نشده است البته به نظر می رسد که مشکل از این افراد نیست، بلکه مساله و چالش اصلی به کسانی بر می گردد که بر اساس معیارهای گروهی و حزبی افراد را در لیست قرار داده و به مردم معرفی می کنند و مردم بر اساس اعتماد به آنها رای می دهند، اما آنچه عملاً در پایان باقی می ماند اعتماد سوزی مردمی است که باورهای اصیل و والایی دارند.

شورا بر سر یک نظارت غیرسیاسی، تکنیکی و فنی بر سر مصالح و منافع مردم و شهر به یک توافق پایدار برسند به نحوی که به جرات می توان گفت عملاً مسئله نظارت شورا بر شهرداری تهران توسط این دو جریان سیاسی حاضر در شورا به گروگان گرفته شده است. هر دو گروه در بروز این پدیده موثر بودند. بخشی از جریان اصول گرای شورا تنها رسالت خود را دفاع تمام عیار از شهرداری می دانند و بخشی از جریان اصلاح طلب تنها رسالت خود را سیاه دیدن همه شهرداری می دانند. از این رو هیچ گاه بر سر امر نظارت به توافق نرسیده اند.

این جمع در تعامل با چهره های ورزشکار و مستقل شورا نیز هیچ گاه توفیقی به دست نیاوردند، به گونه ای که عملاً در سه سال انتهایی در انتخابات ریاست شورا این جمع سه، چهار نفره به جریان اصولگرا رای دادند.

رفتارهای روزهای یکشنبه و سه شنبه برخی از چهره های اصلاح طلب شورا به گونه ای بود، که مهندس دوستی یک عضو موثر این گروه در مصاحبه ای با هفته نامه «پدیده شهر» گفت برخی از اینها روزهای یکشنبه در جلسات غیرعلنی می گویند چاکرم آقای قالیباف! و روزهای سه شنبه در منظر رسانه ها نقدهای تند می کنند! این رویه توسط برخی از اعضای این گروه آنچنان مشهود و پررنگ بود که در یک مورد خاص یک فرد این گروه در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی کاندیدا شده بود، بیشترین نزدیکی، تماس و دفاع از قالیباف را برای پیگیری امر تایید صلاحیت خود انجام داد، اما بعد از انتخابات چرخشی مجدد در موضع خود داشت. البته چند نفر از این مجموعه همیشه مواضع ثابت و قابل دفاعی از حیث نوع رابطه خود با شهرداری و شهردار تهران داشته اند اما معدودی از آنها به گونه دیگری عمل کرده اند.

البته از حیث نظارت فردی نیز وقتی از همان دو، سه عضو فعال و موثر اصلاح طلب پرسیده می شود که نظارت های فردی شما عملاً در چه مواردی نتیجه مثبت و قابل قبولی داشته است، عنوان می کنند که عملاً به دلایل متعددی به جایی نرسیده است!!! (مصاحبه مهندس حقانی به عنوان یک عضو فعال این گروه با هفته نامه پدیده شهر موبد این نکته است)

۲- معیار قانون گذاری

کارویژه دوم و اصلی شورای شهر تهران طرح و تصویب طرح هایی است که ناظر به مسائل و مشکلات و اولویت های کلان شهر تهران می باشد.

نگارنده به عنوان فردی که در همه جلسات علنی شورا شهر تهران حضور یافته، در خاطر ندارد که این جمع طرح دو فوریتی یا یک فوریتی تاثیرگذار و قابل توجهی ارائه کرده باشند. شاید اینها ادعا کنند که مثلاً طرح دو فوریتی «اختیارات شهردار تهران» را «اخبار ارائه کرده اند. بررسی دقیق همین طرح نشان می دهد که اساساً همین کار نیز از موضع تدافعی و واکنشی بوده است و کاملاً روشن و واضح بود که با توجه به عملکرد آنها این طرح به نتیجه نخواهد رسید! البته منصفانه این است که بگوییم این مجموعه طرح هایی مانند تمکک باغ عین الدوله و ... را در شورا پیگیری و به نتیجه



برپایی جشن آغاز سال تحصیلی در محک

کودکان مبتلا به سرطان محک در جشنی با همراهی گروه‌های نمایشی و موسیقی، زیر سقف بیمارستان به استقبال ماه مهر رفتند. به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران (Watan.ir)، آغاز سال تحصیلی برای کودکان محک نویدبخش اتاق‌هایی است که با حضور معلمان داوطلب رنگ کلاس درس می‌گیرند. تخت‌های بستری، راحت‌ترین نینک‌ها می‌شوند و دفتر و کتاب‌ها کنار میزهای دارو جا خوش می‌کنند تا کودکان مبتلا به سرطان در دوران درمان از روند عادی زندگی دور نشوند و مانند هر کودک دیگری برای زندگی پرامید در آینده آماده شوند. محک همه ساله به مناسبت آغاز سال تحصیلی با برگزاری جشن‌هایی برای فرزندان به آنها بسته یا هزینه لوازم التحریر اهدا می‌کند تا شوق آموختن در وجودشان بویژه برانگیزد. ۱۰۰۰ بسته لوازم التحریر به کودکان مبتلا به سرطان به همت شرکت سامسونگ نیز بخشی از برنامه اسسال محک به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۵ بود. نیکوکاران ایران ۲۵ سال است که کودکان مبتلا به سرطان محک را با حمایت درمانی و رفاهی یاری می‌دهند تا ضمن رسیدن به سلامتی، کیفیت زندگی آنها به خاطر سرطان آسیب نبیند. قهرمانان کوچک مبارزه با سرطان در روزهای درمان تا رسیدن به سلامتی، پر امید قدم برمی‌دارند تا بداندن، بخوانند و نویسند که سرطان پایان زندگی نیست.

در نشست شورایاران محله «مجیدیه» تهران با سردبیر هفته نامه «پدیده شهر» مطرح شد:

همزیستی صمیمانه و مسالمت آمیز مسلمانان و مسیحیان



مسائل و مشکلات حد تاری دارند. از آنجاییکه تاکنون به مناطق شرقی تهران سفر نکرده بودیم، اولویتمان را به این مناطق و مشخصاً منطقه هشت اختصاص دادیم. محله مجیدیه در این منطقه واقع شده است. در سرای محله مجیدیه مهمان شورایاران خونگرم و صمیمی این محله بودیم. شورایاری محله مجیدیه در کل تهران از زاویه ای منحصر به فرد است. در این محله یک اقلیت بزرگ مسیحی زندگی می کنند. ظاهراً در ادوار گذشته مسیحیان اکثریت شورایاری را در اختیار داشته اند، اما در این دوره فقط یک عضو آنها توانسته به عنوان علی البدل به

تجربه ای تهرانگردی هفته نامه «پدیده شهر» در قالب نشست های چند ساعته با شورایاران مناطق مختلف تهران حاوی نکات مثبت و منفی فراوانی بود. شناخت مسائل، مشکلات و اولویت های مناطق مختلف تهران دید عمیق تر و دقیق تری در فهم این کلان شهر برای گردانندگان نشریه ایجاد کرد. برای عمق بخشی بیشتر به این شناخت بر آن شدیم که سطح حضور در جلسات را به محلات تهران ببریم. تهران دارای ۳۷۵ محله می باشد. از این رو باید دست به انتخاب می زدیم. بر اساس یک تحقیق دقیق مقایسه ای حدود ۵۴ محله شهر تهران

شهر داری تا کنون هیچ قدمی برای ما برداشته است!



مرادی نژاد دبیر شورایاری محله مجیدیه، عضو هیات‌ام‌نای مسجد جامع محمدی و کارمند بان‌نشسته شرکت مخابرات ۶۷ سال است که در این محله ساکن است. وی در ابتدا سخن خود را از تاریخچه منطقه مجیدیه شروع کرد و گفت: کل زمین‌های این‌جا در قدیم مجیدیه نامیده می‌شد، متعلق به یکی از نوادگان ناصرالدین شاه قاجار بود، وی در اینجا کلی باغ و امارت داشت. به تدریج این قسمت جزء دهستان بخش ۱۱ شمیرانات شد. مردم اینجا گو گو سفند داشتند، کد خدا هم داشتیم. دهه ۴۰ فردی به اسم حاج آقا اطمیشی برای اهالی خدمات زیادی انجام داد که از جمله می توان به ساخت حمام، پل و کارخانه برق اشاره کرد. به تدریج شهر دار وقت باغ ها را خراب کرد و فروخت و مجیدیه در طرح محدوده ۲۵ ساله قرار گرفت و خارج از مجیدیه همه شامل بافت خارج از محدوده شد. بدین ترتیب دیگر یک متر زمین خالی برای محله ما باقی نماند و منطقه به تدریج تا سال ۴۶ جز بافت شهری قرار گرفت. الان هم وضعمان به جایی رسیده است که هیچ گونه زمین بایر و امکانات رفاهی نداریم.

مرادی نژاد سپس به سوالی که در خصوص نحوه تعامل شورایاری با شهرداری مطرح شد، اینگونه پاسخ داد: با اینکه بارها از شهرداری تقاضا کرده ایم اما متأسفانه تا کنون هیچ قدمی برای ما برداشته اند. البته با آمدن مهندس نوری که فردی مومن و با تقوا است، برخی مسائل تغییر کرد. از ایشان تشکر می کنم، چرا که خیلی از محله ما بازدید داشتند و محبت کردند قول هایی دادند. به طور مثال برای اینکه یک سرا با وسعت کم داریم قرار شد سرای محله جدیدی به ما تحویل دهند تا تقریباً ۵۰ درصد مشکلات ما حل شود. هر چند که متأسفانه هنوز مشکلاتی هست، چرا که شهرداری مطرح می کند که نمی توانند خرید داشته باشند و باید به جایش زمین معوض به ساختمان بدهند. صاحب ساختمان هم می گوید که زمین معوض قیمتش بالاست و نمی تواند آن را بخرد لذا نتوانستیم وارد محله ما بشویم. از طرفی هم شهرداری در فروش تراکم محله ما بیشتر از محله های دیگر درآمد دارد و می تواند با درآمدش یک سرا بخرد.

می گویند یک کانکس، ماشین سمنند و موتورسیکلت بخردی تا از شما حراست کنیم! نداشتن فضای سبز، کتابخانه، درمانگاه، فروشگاه زنجیره ای، کمبود سسرانه ورزشی از جمله مواردی بود که مرادی نژاد در قالب مشکلات محله به آنها اشاره کرد. وی در این رابطه ابراز داشت: اولاً امکانات تفریحی - رفاهی نداریم. قدیم زمین زیاد بود، خود من در همین محله فوتبال بازی می کردم، بیشتر

فوتبالیستهای تیم ملی هم از این محله بودند، اما در حال حاضر یک زمین فوتبال و ورزشی هم نداریم. نه تنها جوانان ما بلکه بانوان هم نیاز به زمین ورزشی و امکانات تفریحی دارند اما برای آنها هم فکری نشده است. دوم، ضعف امکانات فرهنگی - تبلیغاتی است. نخبه های زیادی در محل داریم، از جمله کسب رتبه اول مسابقات رباتیک شهرداری تهران، کسب

رتبه اول جشنواره امور بانوان شهرداری، داشتن ۸۰ نخبه هنری، ۶۴ نخبه ورزشی، ۷۰ نخبه قرآنی و ۱۰ نخبه علمی همه از افتخارات ماست. به طور مثال خانم خلفی کودک شش ساله حافظ کل قرآن از این محل است. اما این همه پتانسیل متأسفانه هنوز فضایی برای کارهای تبلیغاتی و فرهنگی نداریم. سوم، امنیت محله بسیار ضعیف است. در جلسه ای که با

رئیس کلاتری ۱۲۷ نارمک داشتیم، اشاره کردیم که معادلین در پارک ها تجمع می کنند و به فروش مواد مخدر مشغول اند، همچنین هر شب شاهد سرقت از منازل و ماشین ها هستیم. اما پاسخی که به ما می دهند این است که برای ما یک کانکس، ماشین سمنند، موتورسیکلت بخردی تا ما نبرویم و حراست کنیم. ما که درآمد نداریم، شهرداری باید این کارها را بکند!

شورایاری

پدیده

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

تاریخچه محله «مجیدیه»



رقيه رحیمی شادهی محقو و پژوهشگر تاریخ

مجیدیه از شرق به بزرگراه امام علی (علیه السلام)، از غرب به بزرگراه شهید صیاد شیرازی، از شمال به بزرگراه رسالت و از جنوب به جانبازان (گلبرگ) محدود می شود.

زمین های این منطقه پیش از این، ماسه ای و برای کشاورزی نامناسب بوده و به همین جهت این محله، ساکنان زیادی نداشته است. بعد از این تاریخ، عده ای آذری در محدوده خیابان حسن بنا ساکن شدند که کوچه های آن خاکی و فاقد امکانات رفاهی بود و آب محله از جوی آب روستای شمس آباد تأمین می شد.

منطقه مجیدیه به شاهزاده عبدالمجید میرزای قاجار، معروف به "عین الدوله"، صدراعظم زمان مظفرالدین شاه قاجار و از مخالفان سرسخت مشروطیت ایران، پدرش سلطان احمد میرزا که پسر فتحعلی شاه بود، تعلق داشت و خودش آنجا آباد کرد. به همین علت به مجیدیه معروف شد. قدمت سکونت در مجیدیه پیش از شمس آباد و بنی هاشم است. بخش عمده ای از اراضی مجیدیه در حدود سال های ۲۵ - ۱۳۲۰ متعلق به شخصی به نام "اطمیشی" بود. وی در این سال ها شروع به ساخت و ساز در اراضی تحت تملک خود کرد و در آن خانه های ساخته شده، ارامنه اقامت کردند. بنابراین، نخستین ساکنان مجیدیه ارامنه ای هستند که حد فاصل ۱۶ متری دوم و ۳۰ متری مجیدیه ساکن شدند. پس از سکونت ارامنه به مرور مسلمانان نیز در نیمه شرقی مجیدیه ساکن شدند. ارامنه ساکن در مجیدیه به دلیل اقلیت بودن و برای رهایی از غربیگی مانند هر اقلیت دیگری ارتباط قوی میان خود برقرار کردند و با تکیه بر آن، نوعی انسجام و همبستگی میانشان ایجاد شد، که بیش تر بر پایه حضور مسلمانان استوار بود. اما تداوم سکونت و همسایگی مداوم ارامنه و مسلمانان در این منطقه سبب شد نسل دوم و سوم ساکنان مجیدیه، فارغ از مذهب، ارتباطی نسبتاً قوی با یکدیگر داشته باشند. به همین دلیل امروز کم تر نشانی از فاصله گیری این دو گروه مذهبی از یکدیگر به ویژه میان نسل جوان دیده می شود. آن چه بیش از شکاف مذهبی در این پهنه به چشم می خورد شکاف نسلی است. شکاف نسلی در بیش تر محله هایی که قدمت و تداوم سکونتشان سه نسل است به وجود می آید. در مجیدیه توجه به مساجد متعددی که نشان از تمایل ساکنان به انجام فرایض مذهبی به صورت جمعی دارد این شکاف را به صورت عمیق تر نمایان می کند.

ساکنان این منطقه تمایل زیادی به گذراندن اوقات در بیرون از خانه دارند به همین دلیل پارک ها و فضای فراغتی موجود، در بیش تر ساعات روز مملو از جمعیت است. این استفاده مشترک از فضاهای عمومی عامل دیگری است که پیوند میان تمامی ساکنان را تحکیم می بخشد. بیش تر ساکنان مجیدیه از آغاز سکونت شان نقل مکان نکرده اند و همچنان در محله ساکن اند، بدین ترتیب تداوم سکونت در مجیدیه حدود سه نسل است و قدمت سکونت بسیاری این اهالی به بیش از ۴۰ سال می رسد.

این محله توسط بزرگراه رسالت به دو محله به نام های مجیدیه شمالی و مجیدیه جنوبی تقسیم می شود. مجیدیه شمالی در منطقه ۴ شهرداری و مجیدیه جنوبی جز محلات منطقه ۸ شهرداری تهران محسوب می گردد. این محله به واسطه کارخانه آب جوسازی که در سال ۱۳۲۸ بنا شد، معروف شده بود. کتر منوچهر ستوده در باره مجیدیه می نویسد: «کارخانه معروف آب جوسازی مجیدیه در این محل است که کارگران آن از فارس و ترک ساکن همین قریه هستند. مالک این ده، شاهزاده یمین السلطنه بود و فعلاً خرده مالک است. جمعیت آن طبق سرشماری ۸۹۴ تن مرد و ۷۹۰ تن زن است. از این جمعیت عده ای ارمنی هستند. یک آسیاب آبی خرابه قدیمی دارد. دبستان حافظ مجیدیه مخصوص مسلمانان با ۷۷۱ تن دانش آموز و دبستان آرات مخصوص ارامنه با ۶۱۲ تن دانش آموز»

مسجد قمر بنی هاشم قدیمی ترین مسجد مجیدیه شمالی است که قدمت آن به سال ۱۳۴۰ ش می رسد و در خیابان شهید کرد، خیابان شهید سعید خان علی قرار دارد.

کلیسای گریگور لوساوورپچ (گریگور روشنگر مقدس) آخرین کلیسای بزرگی است که در سال ۱۳۴۰ ش در محله زیتون مجیدیه بنا شده است. گریگور لویاوورپچ اولین کسی است که ارامنه را با دین مسیحیت آشنا کرد و با تلاش های بی گبرانه اش توانست این دین را به عنوان مذهب رسمی این کشور ثبت کند. آیین مسیحیت در امپراطوری بیزانس ارتودوکس بود و در امپراطوری روم کاتولیک. ارمنی ها به هیچ یک از این دو فرقه نپیوستند و مذهبشان را به نام گریگور روشنگر، گریگوری نامیدند.

در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۳۵ ش ۸۰ خانواده ای ارمنی جلسه ای تشکیل دادند و هیأتی مدرسه ساز خیر ارمنی تشکیل دادند و اولین مکان آموزشی با سه کلاس درس در محله مجیدیه تأسیس شد. این مدرسه ی کوچک را "شیروان زاده" نامیدند. سال ۱۳۳۶ این مدرسه با نام جدید "آرات" به کوچی ای اطمیشی منتقل شد. سال ۱۳۳۷ مدرسه دوباره به جای اولش در خیابان ۱۶ متری دوم برگشت. و اواخر سال ۱۳۳۸ بود که زمین فعلی مدرسه ی آرات را شورای خلیفه گری ارامنه ی تهران خرید و با کمک های مالی این شورا مدرسه آرات با شش کلاس درس، پذیرای دانش آموزان مقطع ابتدایی شد. بعد ها مدرسه آرات با مرکز فرهنگی مذهبی تبدیل شد. امروزه این مدرسه، مهد کودک، آمادگی، دبستان و راهنمایی را در کنار هم دارد.

معروف ترین، طولانی ترین و پر ترافیک ترین خیابان محله، خیابان شهید استاد حسن بنا است. این خیابان از تپه ی شمس آباد شروع می شود و تا تقاطع بزرگراه شهید صیاد شیرازی و خیابان آیت الله قدوسی ادامه دارد. بخشی از این مسیر، از میدان مریم تا چهارراه مجیدیه، خیابان شهید استاد حسن بنای شمالی نام دارد و باقی اش از بزرگراه رسالت تا تقاطع بزرگراه شهید صیاد شیرازی و خیابان آیت الله قدوسی، استاد حسن بنای جنوبی. قدیم نام این خیابان مجیدیه بود و هنوز هم با همان نام می شناسندش. بعد از انقلاب به یاد شهید استاد حسن بنا، این خیابان به این اسم نامیده شد. شهید رضا استاد حسن بنا، سال ۱۳۰۱ در تهران بدنیا آمد و در گرگری های سال ۱۳۵۷ به شهادت رسید.

خیابان های همایی، اثنا مشیری و خیابان کرمان از دیگر شریان های اصلی این منطقه محسوب می شوند.

برای اینکه یک سرا یا وسعت کم داریم قرار شد سرای محله جدیدی به ما تحویل دهند تا تقریباً ۵۰ درصد مشکلات ما حل شود. هر چند که متأسفانه هنوز مشکلاتی هست، چرا که شهرداری مطرح می کند که نمی توانند خرید داشته باشند و باید به جایش زمین معوض به ساختمان بدهند. صاحب ساختمان هم می گوید که زمین معوض قیمتش بالاست و نمی تواند آن را بخرد



اعزام بیمار هموفیلی به مسابقات جهانی پومسه ۲۰۱۶

احمد قوبیل گفت: امیر رضا مهربان بیمارمان هموفیلی خفیف (بدرصد ۱۶) با افتخار آفرینی ورزشی در مسابقات و کسب مقام قهرمانی پومسه کشوری به مسابقات جهانی پومسه ۲۰۱۶ که از ۲۱ سپتامبر تا ۲ اکتبر برگزار می شود اعزام شد. به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران (وطن): احمد قوبیل مدیرعامل کانون هموفیلی ایران گفت: امیر رضا مهربان متولد ۱۳۷۷ از اعضای کانون هموفیلی ایران که از کودکی علاقه بسیار زیادی به ورزش های رزمی داشت با توجه به اینکه در زمره بیماران هموفیلی خفیف (بدرصد ۱۶) بود توسط خانواده و با مشاوره بخش درمانی به رشته پومسه که از رشته ای تکرانو بدون درگیری با حریف است هدایت شد. وی ادامه داد: این قهرمان ارزشمند توانست با پشتکار و ممارست و تمرینات پیوسته به مسابقات قهرمانی کشوری راه یابد و با شرکت در مسابقات آسیایی ۲۰۱۵ به مقام سوم آسیا دست پیدا کرد. قوبیل تصریح کرد: مهربان امسال با تلاش و انگیزه بالا به مقام قهرمانی کشوری رسید و باین پیروزی درخشان به مسابقات جهانی پومسه در پرو که از ۲۱ سپتامبر (۳۱ شهریور ماه ۹۵) تا ۲ اکتبر برگزار می شود اعزام شد.

خوب نیست رقابتی بین ما و برادران مسلمان باشد!



اکثریت ارامنه در منطقه هشت یعنی محله نارمک، زرکش، وحیدیه، مجیدیه و خیابان بیست متری مجیدیه که در منطقه هفت است زندگی می کنند. وقتی انتخابات شورایاری شروع می شود رقابت و شور و ذوق خاصی شکل می گیرد. آرامنه هم راغب اند در فعالیت های محله کار کنند که البته این هم خوب و هم بد است. دو دوره ۹ نفر از آرامنه و یک نفر از برادران مسلمان رای آوردند. هر چند برادران مسلمان خیلی به ما لطف دارند، همزیستی مسالمت آمیزی وجود دارد و همه با هم صمیمی هستیم، ولی وقتی مسئله انتخابات است رقابتی که باید بین ما و برادران مسلمان باشد، خیلی خوب نیست.

تأمین می شود. مورد آخر هم اینکه فضای سبز خیلی کم است.

همزیستی مسالمت آمیز و صمیمانه!

وی در ادامه از نحوه رقابتی که در انتخابات محله شکل می گیرد گله کرد و برای رفع آن پیشنهاد داد: اکثریت آرامنه در منطقه هشت یعنی محله نارمک، زرکش، وحیدیه، مجیدیه و خیابان بیست متری مجیدیه که در منطقه هفت است زندگی می کنند. وقتی انتخابات شورایاری شروع می شود رقابت و شور و ذوق خاصی شکل می گیرد. آرامنه هم راغب اند در فعالیت های محله کار کنند که البته این هم خوب و هم بد است. دو دوره ۹ نفر از آرامنه و یک نفر از برادران مسلمان رای آوردند. هر چند برادران مسلمان خیلی به ما لطف دارند، همزیستی مسالمت آمیزی وجود دارد و همه با هم صمیمی هستیم، ولی وقتی مسئله انتخابات است رقابتی که باید بین ما و برادران مسلمان باشد، خیلی خوب نیست. شاید هم گاهی آرامنه یک دوره فعال نباشند و درست نیست که هیچ کدام در شورایاری نباشند. بدین ترتیب در انتخابات باید تمام جوانب در نظر گرفته شود و برای همین پیشنهاد می دهم از آنجائیکه در بافت مجیدیه ۵۰ درصد آرامنه ساکن اند انتخابات را بین دو دسته ۵ نفره ترتیب دهم.

خاجاطوریان در آخر با تأکید بر اینکه همه ایرانی هستیم به تلاش آرامنه برای سر بلندی ایران اشاره کرد و گفت: ما همه ایرانی هستیم و خودمان را شهروند درجه یک ایران می دانیم. از زمان انقلاب، جنگ و... همواره فعال بوده ایم، به نسبت تعداد جمعیتمان زیاد شهید داده ایم. بدین ترتیب برای عظمت ایران در جهان مشارکت می کنیم و امیدواریم این خدمت رسانی را از ما دریغ نکنند تا ما هم سهم خودمان را داشته باشیم.

هیات امنه و اجرای مدیر محلات بر گزار می شود. به عبارتی می توان گفت که شورایاری محله به عنوان یک تشکل مستقیم در امور فرهنگی - اجتماعی کمرنگ شده است.

آقای قالیباف گفته بود هر محله باید کتابخانه و فرهنگسرا داشته باشد، اما تا به حال هیچ اقدامی انجام نشده است!

خاجاطوریان ضمن اشاره به اینکه امکانات شهری در اینجا ضعیف است به بیان مشکلات محله پرداخت و اظهار داشت: اول، امکانات فرهنگی ضعیف است. در حالیکه این امکانات باید در هر محله وجود داشته باشد، اما کتابخانه، فرهنگسرا، آمفی تاتر و سالن نمایش نداریم. باینکه آقای قالیباف گفته بود هر محله باید کتابخانه و فرهنگسرا داشته باشد اما تا به حال هیچ اقدامی انجام نشده است. سرای محله مان هم کوچک است طوری که جای برای ۲۵ نفر هم نیست. دوم، ترافیک ۱۶ متری اول و دوم بسیار شدید است. گاهی از سر ۱۶ متری تا گلبرگ یک ساعت طول می کشد. در واقع می توان گفت که خیابان بندی ها حساب شده نیستند و اصولی ساخته نشده است. شاید مثل طرح نواب باید یک فکر اساسی کرد که شهرک مانند یا بلوک بزرگی ساخته شود که همه چیز داشته باشد. سوم؛ شلوغی، جمعیت و رفت و آمد نسبت به ظرفیت محله زیاد است. از آنجائیکه اینجا حالت مرکز خرید پیدا کرده است شلوغ تر هم شده است. چهارم؛ در حال حاضر جمعیت آرامنه رو به کاهش است و تعداد دانش آموزان مدارس رو به تحلیل است. هیچ اقدامی برای ایمن سازی مدارس که ۶۰ سال قدمت دارد، صورت نمی گیرد. بدین رفت، بدین گونه که خودشان نمودار درست می کردند که ما چه کارهایی باید انجام دهیم. مورد دیگر اینکه؛ از آن روزی که سرای محله مدیر محله دارد، نقش شورایاری خیلی کمرنگ شده است. تمام کارهایی که انجام می شود با مصوبه

نمایندگان محله مجیدیه بر اراده کنیم باید سالتی در اختیار ما بگذارند و مردم را دعوت کنیم تا مشکلاتشان را مطرح و از ما بازخواست کنند، اما در شورایاری همچنین موضوعی را نداریم. یک نفر برای چهار سال انتخاب می شود و تا انتخابات بعدی هیچ رابطه مستقیمی با مردم ندارد، مگر اینکه در مراسم خاصی آنها را ببیند.

دستوری شدن همه ی امور!

سیس وی به بررسی موضوع شورایاری از نظر ساختاری پرداخت و گفت: شورایاری صرفاً یک هیات نظارتی است و هیچ دخالتی در کارهای اجرایی ندارد. آرزویمان این است که در آینده از شورایاری ها شهردار محله انتخاب شود و از شهردار محلات، شهردار منطقه را انتخاب کنند. آرزو داریم یک سیستم از پائین به بالا به وجود بیاید که هر جا فردی در دست عمل نکرده مردم دخیل باشند. به طور مثال ما با یکی از شهرداران جلسه داشتیم و مطرح کردیم، نمی خواهیم محله آسفالت شود چون بعد از آن از طرف شهرداری یا هر نهاد دیگری سریع آسفالت را خراب می کنند تا یک چیز دیگر را درست کنند. گفتیم که مردم با مشکل این پولها را پرداخت می کنند و درست نیست که حیف و میل شوند، اما این خواسته عملیاتی نشد و کمتر از ده روز محله را آسفالت کردند و بعد از مدتی هم خرابش کردند. در نتیجه هنوز شورایاری جایگاهش را پیدا نکرده است. زمانی بود چه می دادند تا ما کارهای لازم را انجام بدهیم، مثلاً یک بار به ما ده میلیون دادند، ولی دیگر خبری نشد. بعداً اگر هم بود چه بندی شد همه چیز به طرف دستوری شدن پیش رفت، بدین گونه که خودشان نمودار درست می کردند که ما چه کارهایی باید انجام دهیم. مورد دیگر اینکه؛ از آن روزی که سرای محله مدیر محله دارد، نقش شورایاری خیلی کمرنگ شده است. تمام کارهایی که انجام می شود با مصوبه

واحه خاجاطوریان عضو علی البدل شورایاری محله مجیدیه اولین سخنران این نشست بود که به ایراد سخن پرداخت، بوی دبیری و جانشینی شورایاری در ادوار گذشته را نیز در پرورده کاری خود دارد. این عضو مسیحی شورایاری محله مجیدیه در ابتدا از سیر نزولی شورایاری از ابتدا تا کنون سخن گفت و ایراز داشت: شورایاری در دور اول شکل گیری، نهادی تازه تاسیس بود، در آن زمان که بنده دبیر هم بودم کارها خام بود و هنوز جایگاه شورایاری مشخص نبود. در هر محله دوم شورایاری هر چند از یک جهت وضع بهتر شد و یک لیست مشترک از کاندیدای مستقل ارائه کردیم، ولی می توان گفت که مرحله اول مقداری بهتر بود. چرا که به مرور زمان شورایاری کمرنگ شد و بیشتر خود شهرداری تصمیم گرفت که چه کاری را انجام بدهد و چه کاری را نه! در حالیکه وقتی ما به عنوان شورایاری به برنامه ای اولویت می دهیم و طرح هایمان را مطرح می کنیم به خواست مردم احترام گذاشته ایم و با توجه به نیازها نظر داده ایم.

مردم باید بتوانند از شورایاران بازخواست کنند!

خاجاطوریان در ادامه از رابطه ضعیف شورایاران با مردم سخن گفت و اذعان داشت: افرادی که به عنوان شورایاران انتخاب می شوند، معمولاً افرادی هستند که در محله فعالیت دارند و همین باعث اعتماد مردم می شود، ولی بعد از انتخاب همان روایی که قبلاً داشتند ادامه دارد یعنی به عنوان یک شهروند معمولی باقی می ماندند. به عنوان شورایاری هیچ رابطه مستقیمی با مردمی که ما را انتخاب کرده اند، نداریم. به طور مثال بنده عضو مجمع نمایندگان شورای خلیفه گری آرامنه تهران هستم. انتخابات این مجمع محلی برگزار می شود. مبنایش هم این است که در هر کلیسا انتخابات محلی برگزار شود. در این روند هر گاه

شورایاری صرفاً یک هیات نظارتی است و هیچ دخالتی در کارهای اجرایی ندارد. آرزویمان این است که در آینده از شورایاری ها شهردار محله انتخاب شود و از شهردار محلات، شهردار منطقه را انتخاب کنند. آرزو داریم یک سیستم از پائین به بالا به وجود بیاید که هر جا فردی در دست عمل نکرده مردم دخیل باشند. به طور مثال ما با یکی از شهرداران جلسه داشتیم و مطرح کردیم، نمی خواهیم محله آسفالت شود چون بعد از آن از طرف شهرداری یا هر نهاد دیگری سریع آسفالت را خراب می کنند تا یک چیز دیگر را درست کنند.

ازدحام در مراکز معاینه فنی با اجرای طرح LEZ

سیدنواب حسینی منش در گفت و گو با ایسنا با بیان اینکه امروز روز اول اجرای طرح LEZ است. گفت: با اجرایی شدن طرح LEZ ورود خودروها به محدوده زوج و فرد تنها با داشتن بر که معاینه فنی و ثبت اطلاعات خودرو در سامانه سیمفا می تواند انجام گیرد و در غیر این صورت جریمه ۵۰ هزار تومانی پلیس در انتظار خودروهای متخلف است. وی باین بیان که از صبح پنجشنبه ترافیک سنگینی در مراکز معاینه فنی بخصوص در مراکز سراج، بیهقی، نیایش، و آبسانان ایجاد شده است، گفت: البته بر اساس بررسی های انجام شده در تمامی مراکز معاینه فنی شهر تهران ازدحام خودروها وجود دارد اما در این مراکز معاینه فنی قید شده در بالا، ترافیک سنگین تر است. رئیس ستاد معاینه فنی شهر تهران باین بیان که افرادی می توانند از دودر گاه نسبت به اطلاع از شلوغی مراکز باخبر شوند، گفت: همشهریان می توانند با ارسال عدد ۱ به سامانه پیامکی ۲۰۰۰۱۱۲ از مدت انتظار در مراکز معاینه فنی باخبر شوند. حسینی منش افزود: همچنین شهروندان می توانند با مراجعه به سایت معاینه فنی، در صفحه نخست آن گزینه مدت انتظار را انتخاب کرده و از ترافیک خودروها در معاینه فنی اطلاع پیدا کنند. وی باین بیان که در صورت ادامه داشتن ترافیک خودروها شیفت سوم مراکز معاینه فنی نیز آغاز می شود، گفت: همچنین در روز جمعه (۲ مهرماه) مراکز معاینه فنی بیهقی، سراج، نیایش، آبسانان و امام رضا (ع) از ساعت ۸ صبح تا ۱۴ باز و آماده ارائه خدمات به مردم هستند. به گزارش ایسنا، در حال حاضر حداقل زمان انتظار در اکثر مراکز معاینه فنی از جمله بیهقی، الغدیر، شکوفه و... بیش از سه ساعت می باشد.

همزمان با روز جهانی بدون خودرو تأکید شد شهرها را برای پیاده روی "بازطراحی" کنید!

همزمان با روز بیست و دوم ماه سپتامبر مردم شهرهای کوچک و بزرگ در مناطق مختلف جهان در کمپین "روز جهانی بدون خودرو" شرکت می کنند. به گزارش ایسنا، "هافینگتن پست" در وبلاگی به مناسبت این روز نوشت: این کمپین که اولین بار در سال ۲۰۰۰ مطرح شد در ترغیب افراد به استفاده از دیگر وسایل حمل و نقل و شیوه های جابه جایی به جای خودرو مفید بوده است. برای مثال تعداد آمریکایی های متولد شده از سال ۱۹۸۰ که پیاده روی را بر رانندگی کردن ترجیح می دهند، ۱۲ درصد افزایش یافته و این رقم در مقایسه با نسل های دیگر به مراتب بیشتر است. شهرهای جهان به ویژه شهرهای بزرگ با معضلاتی همچون آلودگی، تغییرات آب و هوایی، ترافیک خودروها، انزوای اجتماعی و بیماری های جسمی شهروندان روبرو هستند و بنابراین دولت ها و طراحان شهری در سراسر جهان به دنبال ایده هایی هستند تا شهرها را به مناطقی مناسب تر برای پیاده روی، زندگی و کار کردن تبدیل کنند. بررسی اجمالی روی شهرهای جهان حاکی از وجود تغییراتی سریع در فرآیند زندگی شهری است؛ ساخت جهانی که راه رفتن و پیاده روی کردن در آن راحت تر انجام شود. سال گذشته مادرید (اسپانیا)، چنگدو (چین)، پاریس (فرانسه) و هلستینکی (فنلاند) از جمله شهرهایی بودند که در ماه سپتامبر یک روز بدون خودرو داشته اند. سال گذشته در جاکارتا (اندونزی) و بوگوتا (کلمبیا) دو مراسم هنفگی برگزار شد که طی آن خیابان ها به مکان هایی تبدیل شد که شهروندان می توانستند به راحتی در فعالیت های تفریحی شرکت و پیاده روی کنند. به گفته کارشناسان شهری، هدف آن است که مردم از شرایط بهتری برای پیاده روی برخوردار باشند و در نتیجه از آلودگی و ازدحام و ترافیک دور باشند و کمتر دچار انزوای اجتماعی و بیماری شوند. برای تحقق این هدف باید شهرها برای پیاده روی "بازطراحی" شوند و برگزاری مراسمی همچون روزهای بدون خودرو تأثیر گذار خواهد بود. همچنین اهمیت دارد. افراد تشویق شوند تا روزهای بدون خودرو را تجربه کرده و متوجه شوند رفت و آمد با پای پیاده تا چه اندازه لذت بخش تر است.

نظارت بر مراکز درمان اعتیاد تقویت شود

نماینده مجلس دهم با تأکید بر ضرورت نظارت بر مراکز ترک اعتیاد گفت: به دلیل اینکه نظارت بر مراکز ترک اعتیاد ضعیف است دستگاه های مجوز دهنده به این مراکز باید نظارت های دقیق تری داشته باشند. به گزارش خبرگزاری مهر، عباسعلی پوربافرانی اظهار داشت: اعتیاد یک بیماری است و نباید نگاه متهم به افراد معناد داشت لذا لازم است برای درمان آنها به موقع اقدام کرد و مانع از بازگشت مجدد آنها به دامان اعتیاد شد. وی افزود: مبارزه با اعتیاد تنها با اقدامات یک دستگاه دست یافتنی نیست و از خانواده تا همه مسئولان نهادهای دولتی و غیردولتی در انجام این عمل سهیم هستند. البته ستاد مبارزه با مواد مخدر باید برنامه ریز اصلی باشد و سهم همه دستگاه ها را در مبارزه با اعتیاد تعیین کند. نماینده مردم نائین با اشاره به اینکه برخی محیط ها و مناطق اعتیاد بیشتر وجود دارد، گفت: فرهنگ فرد و جامعه در پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر نقش دارد. یک محیط دانشگاهی و علمی نیز مصون از اعتیاد نیست لذا باید به مسئله ارتقاء آگاهی افراد از عوارض اعتیاد غافل نماند. پوربافرانی اضافه کرد: به دلیل وجود زمینه های قاچاق در برخی استانها اعتیاد بیشتر است و باید با اشتغالزایی مانعی در برابر مواد مخدر ایجاد کرد. نماینده مجلس دهم ادامه داد: اگر نگاه ما در مورد فرد معتاد بیمار گونه باشد تا حدودی به موفقیت برای مبارزه با این پدیده خانمان سوز موفق می شویم ولی متأسفانه در سیستم اداری زمانی که مشخص شود فرد معتاد است اخراج شده و این مسئله شرایط آن را حادثر می کند. پوربافرانی تصریح کرد: به دلیل اینکه نظارت بر مراکز درمان اعتیاد ضعیف است بسیاری مواقع این مراکز به شایستگی اقدامات موثر را انجام نمی دهند. در حالی که دستگاه های ارائه دهنده مجوز به مراکز درمان اعتیاد باید نظارت های دقیقی بر آنها داشته باشند. وی با بیان اینکه شهرداری، بهزیستی و وزارت بهداشت باید پروتکل های لازم را در مورد حسن اجرا داشته باشند، افزود: این مسئله که قاچاق شربت متادون وجود دارد مؤید ضرورت تقویت نظارت ها است. نماینده مجلس دهم با تأکید بر اینکه قوانین مبارزه با مواد مخدر باید بازنگری شود، خاطر نشان کرد: دلایل بروز اعتیاد نیز باید ریشه یابی و جهت رفع آن اقدام شود. علت های بروز اعتیاد که نابود شود؛ مبارزه با مواد مخدر نیز اکمل می شود.

بین منطقه ۷ و ۸ گیر کرده ایم!

منطقه تعامل داشته باشیم با اینکه طی اقدامی گسترده شده و جزء منطقه ۸ شویم. **یک مرکز درمانی دولتی نداریم!** سوم؛ سرای محله مان کوچک است. در این جلسه ۴ نفر نیامده اند که اگر می آمدند دیگر جایی نبود که بنشینند. چهارم؛ یک مرکز درمانی دولتی نداریم. هر چند دو درمانگاه خصوصی داریم، اما هزینه اش زیاد است و در این رابطه مشکلات زیادی داریم. پنجم؛ نداشتن میدان تره بار، مردم محل برای خرید میوه از تره بار باید به خیابان کرمان یا مجیدیه شمالی بروند. ششم؛ ترافیک واقعا سنگین است. با تراکم جمعیت ۱۶ متری قفل شده است. درخواست داریم که پلیس راهور بگذرانند چرا که از این جهت محله در مضیقه است.

خدیجه فکری مدیراداری یکی از شرکتهای وابسته به شهرداری، شورایار و منشی جلسه بود. وی سخن خود را با مشکلات محله مجیدیه آغاز کرد و گفت: هر چند محله ما کوچک است، اما خانه های کنار هم و جمعیت زیاد مشکلات زیادی را ایجاد کرده است. اول، ضعف امکانات فرهنگی - ورزشی است. هیچ فضای تفریحی و آموزشی از جمله پارک یا زمین فوتبال نداریم که بچه ها بتوانند بازی کنند. زنان هم هیچ محلی را ندارند که راحت ورزش کنند. هر چند پارک صبا را داریم، اما جایی نیست که مثل پارک بانوان بتوانند راحت باشند. دوم؛ محله ما بین منطقه ۷ و ۸ قرار دارد. برای همین نصف مشکلات ما به هر دو منطقه بر می گردد. برای رفع مشکلات هم باید با شورایاری های هر دو





تدریس داوطلبانه به دانش آموزان نیازمند تهرانی آغاز می شود

به گزارش شهرونوشته و به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه یک، سعید کارگران معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه یک با بیان خبر فوق اظهار کرد: این طرح طی سه مرحله انجام می پذیرد که مرحله ی اول آن با شناسایی افراد نیازمند از طریق مدیران محلات ، مدارس و مساجد صورت گرفته است و مراحل بعدی نیز از ابتدای مهر ماه و بازشگشایی مدارس شروع شد.کارگران در خصوص اهداف و اجرای طرح گفت: طر خیریه جهت رویکرد و اهداف خانه ی شهریان جوان منطقه یک به معنای مؤثر واقع شدن در حمایت و کمک رسانی به نیازمندان شهر تهران بوده و در حال حاضر تمام هماهنگی های لازم برای اجرای طرح از جمله استفاده از امکانات محلات ، مدارس ، کتابخانه ها و... انجام شده و در اختیار مشارکت کنندگان طرح قرار می گیرد.فغاری مدیر خانه شهریان جوان منطقه یک نیز در خصوص چگونگی مشارکت علاقمندان افزود:علاقتمندان می توانند به صورت مستمر یا جلسه ای در این طرح شرکت و روز و ساعت کلاس هایشان را منطبق بر اوقات در خواستی خود جهت برنامه ریزی اعلام کنند. وی گفت: این طرح با شعار «فرزندان شهرم اگر تحصیل نکنند آینده ای مبهم در انتظارشان خواهد بود» با استقبال خوب شهروندان رو به رو شده است.

instagram:padidehshahrweekly telegram:@padidehshahr www. padidehshahr.com September 24, 2016 ۱۲صفحه ۵ سال سوم ۵ دوره جدید، شماره: ۹، شنبه ۳ مهر ۱۳۹۵

لزوم بازنگری در تقسیم بندی جغرافیایی محله



شهردار چهره به چهره با مردم دیدار می کند
مزینانی در خصوص رابطه شورایاری با مردم ابراز داشت: رابطه ما با مردم به سالهای قبل از انقلاب و پیروزی انقلاب بر می گردد. یادم هست وقتی جوان ۱۷ ساله بودم در زمستان مشکل نفت داشتیم و مسجد خدماتی را به ما می داد. با پیروزی انقلاب همانطور که امام فرمودند مساجد سنگر هستند واقعا هم همینطور بود. فعالیت زیادی در مسجد داشتیم، با تشکیل کمیته ها رابطه مان قوی تر هم شد. در ادامه

حسین مزینانی بازنشسته سازمان عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح، عضو بسیج و هیات امنای محله از دیگر شوراییاران حاضر در جلسه بود. وی در ابتدا با قرائت شعری در مدح حضرت علی (ع) از چگونگی تقسیم بندی و لزوم بازنگری در جغرافیای محله سخن گفت و اذعان داشت: متاسفانه بعضی امکانات در محله همچوار متمرکز است، البته دنبال این نیستیم که بگوئیم عین چیزهایی که در محله بغلی است اینجا هم باید باشد، ولی خواهان آن هستیم تا در تقسیم بندی جغرافیایی محله بازنگری شود. به طور مثال در ترکیب جمعیتی مسلمانان و مسیحیت مشکلی نداریم، ولی مدارس و کلیساهای این عزیزان در محله های دیگر واقع شده و دور از دسترسشان است. درحالیکه خودشان اینجا هستند برای رفع نیازهای ابتدایی باید به محله دیگری بروند. مثل این می ماند که مسجدی های ما از محله دیگر به مسجد محله بیایند. خوب این عزیزان انتظار دارند بعضی از مساپلیشان را شورایاری محل حل کند، ولی جغرافیای محل این اجازه را به ما نمی دهد.

کار گروه های تخصصی؛ بازوهای مدیریت محله

هستند کارهایی که کردیم واقعا جدا از محلات دیگر بوده است. از کار گروه عمران گرفته تا کار گروه فرهنگی و اجتماعی را شکل دادیم. کار گروه عمران به عنوان دست راست شورایاری مرتب تشکیل جلسه می دهد و خوب کار می کند. مردم هم برای کارهای عمرانی از قبیل آبیاری درختان، امحای موش و ... با ما همکاری می کنند. در حوزه فرهنگی -اجتماعی هم سه کار گروه تشکیل دادیم که به خاطر سابقه فرهنگی اعضای شورایاری به این امر توجه شده است. کارها به کار گروه های تخصصی سپرده می شود تا چکش کاری لازم صورت بگیرد. به طور مثال چند روز پیش دهه ولایت را داشتیم، همچنین برای هفته دفاع مقدس و بازگشایی مدارس هم اقداماتی صورت گرفت. به طور مثال سعی کردیم تا جایی که در توان داریم از رنگ مدارس تا تهیه کامپیوتر همه را برعهده بگیریم. **در حوزه کاهش فقر و آسیبهای اجتماعی، جزء ده محله برتر تهران هستیم.** بعد از بحث کار گروه های تخصصی، خانه های یازده گانه را داریم که فوق العاده فعال اند. در حوزه خدمات اجتماعی ۳۲ نفر هستند که برای تمامشان برپنده تشکیل شده است. باقرارگاه امام رضاع) هم ارتباط خوبی داریم و سعی کردیم

کارت شهروندی بگیریم. در بحث جهیزیه و کمک به نیازمندان هم خوب کار کرده ایم. با اینکه امکانات نداشته ایم، اما حوزه فعالیتمان را داخل مساجد و مدارس بردیم و سعی کردیم از فضای آنها استفاده کنیم. در حوزه فقر و آسیبهای اجتماعی هم محله ما در سطح تهران جزء ده محله برتر بوده است. بدین ترتیب کارهای خوبی انجام داده ایم که تمام آسنادش را برای شهردار تهران هم فرستاده ایم.

یک لچکی با ۱۲۰۰۰ نفر سربار محله شده است.

مشکلات محله دیگر موضوعی بود که خدایاری بدان پرداخت و گفت: مشکلات زیاد است اول از همه، نداشتن فضای فرهنگی – اجتماعی است. داخل محله شهروندانی داریم که سربار محله شده اند. به طور مثال در منطقه هفت یک لچکی از صیاد شیرازی تا استاد حسن بنا است که هیچ گونه امکاناتی ندارد یا ۱۲۰۰۰ نفر سربار محله شده است. این در حالی است که محله ما خودش ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. بحث دیگر مطالبات ارامنه از محله ماست، در حالیکه این عزیزان جزء محله کرمان هستند، ولی می گویند که ما به شما رای دادیم و از شما هم توقع داریم. ما هم نمی دانیم با این همه جمعیت بدون امکانات چه کنیم!؟

ساختمان سالمندان را دادران کنید!



برقرار شود. پنجم؛ بحث فرهنگی و هم زیستی مسالمت آمیز با ارامنه است. ما سعی می کنیم رابطه خوبی با هم داشته باشیم تا راحت تر زندگی کنیم. سال گذشته چندین بار به خانه ارامنه ای که شهید داده بودند، رفتیم. حضرت آقا هم به این محل آمده اند و ما هم به تبعیت رهنمودهای ایشان سعی می کنیم رفتارمان با اقلیتها دوستانه باشد. البته مشکلات این عزیزان به محله کرمان بر می گردد که در شورایاری آن محله نیستند. ما خواستیم با شورایاری محله کرمان هماهنگ کنیم که امکانات بیشتری برایشان فراهم شود تا فکر نکنند که ما خودمان را بشنودیم. ششم؛ متاسفانه ساختمانی که قرار بود برای سرای سالمندان ساخته شود را به قوه قضائیه فروختند و قرار است به دادرسا تبدیل شود. این ساختمان در مرز محله ما با محله کرمان واقع شده است و ده سال قبل مصوب شهرداری بوده که سرای سالمندان شود.



داوود خدایاری مدیر سررای محله مجیدیه با سابقه ۵ سال فعالیت در این حوزه از دیگر سخنرانان این نشست بود. وی در ابتدا با اشاره به ضعف در اجرا از اقدامات مثبت شورایاران محل و چگونگی ارتباطشان با مردم یاد کرد و گفت: از نظر قانونی مشکلی نداریم، ولی متاسفانه در اجرا ضعیف هستیم. خود ما سعی کردیم با همکاری هیات امنا کارها را به صورت

علی مستاجران، کارشناس دادگستری باسی سال سابقه اجرایی در مسائل عمرانی و بازنشسته وزارت دفاع از دیگر شوراییاران محله مجیدیه بود.وی در ابتدای بحث خود در خصوص هدف شورایاری هاگفت: رای اعضای شورایاری از مردم گرفته می شود و افرادی که این مسئولیت را قبول کرده اند و در این عرصه قدم گذاشته اند تهائیت رضای خدا و خدمت را داشته اند.

مهندس نوری شهردار منطقه فر دبسیار فعالی است

مستاجران سپس از اقدامات مثبت شهرداری منطقه قردانی کرد و از چند مورد آن یاد کرد. وی اذعان داشت: در ابتدا از عزیزان شهرداری و شوراییارانی که در سالهای قبل زحمت کشیده اند، تشکر می کنم. شهردار منطقه، مهندس نوری فرد بسیار فعالی است و با اعضای شورایاری همه محلات جلسه می گذارد و به درد دل محله توجه می کند که این خود قابل تقدیر است. از حر کتهای خوبی که شهرداری در محله انجام داده است می توان به اجرای میدان امام رضا (ع) در ضلع جنوبی محله مجیدیه اشاره کرد که گره کور چهارراه «چه کند» را بر طرف کرده است. قبلا ترافیک تا پل صیاد و نزدیک رسالت بود ولی الان روان تر شده است. تشکر دیگر از عوامل شهرداری است که در ناحیه زحمت می کنند. معمولا هر یکی، دو ماه با اتفاق دبیر شورایاری ، شهردار و کلیه معاونین و مسئولین قسمتهای ناحیه بازدید دوره ای دارند. کوجه به کوجه می آیند، یادداشت می کنند و سعی می کنند مشکلات را برطرف کنند.

سپس شورایار محله مجیدیه مشکلات را دسته بندی کرد و گفت: تراکم جمعیتی محله بالا است. در سطح شهر تهران میانگین تراکم جمعیتی در هکتار تقریبا

شورایاری

تدریس داوطلبانه

هفته نامه سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی

رئیس سازمان تاکسیرانی شهر تهران خبر داد

تایید صلاحیت ۱۸ هزار راننده سرویس مدرسه / شناسایی ۳۵۰ نقطه پر مسافر در تهران

رئیس سازمان تاکسیرانی شهر تهران جزئیات تمهیدات این سازمان برای آغاز سال تحصیلی جدید را تشریح کرد.

میثم مظفر در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اقدامات سازمان تاکسیرانی شهر تهران در امر ساماندهی سرویس‌های مدارس گفت: شهرداری تهران با همکاری پلیس راهنمایی و رانندگی و اداره آموزش پرورش شهر تهران اقدامات گسترده‌ای را در خصوص آموزش و ساماندهی سرویس‌های مدارس انجام داده است.

وی با بیان اینکه سال گذشته ۱۵ هزار راننده سرویس توسط شهرداری و در دانشکده تاکسیرانی دوره‌های آموزشی را طی کردند گفت: بر اساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته پس از طی دوره‌های آموزشی توسط رانندگان، باید صلاحیت راننده از جمله عدم اعتیاد و نداشتن سوءسابقه و تاییدیه سلامت جسمانی و روانی احراز شود و همچنین خودرو از لحاظ سلامت و معاینه فنی حتما باید در حد مناسبی باشد.

رئیس سازمان تاکسیرانی شهر تهران با بیان اینکه امسال صلاحیت ۱۸ هزار راننده متقاضی سرویس مدرسه تایید شد گفت: پس از بازگشایی مدارس داشتن برچسب سرویس مدرسه الزامیست. به گونه‌ای که هر خودرویی که تحت عنوان سرویس مدرسه اقدام به جابجایی دانش آموزان می کند باید دارای برچسب باشد. در غیر اینصورت از سوی پلیس مورد اعمال قانون قرار خواهد گرفت.

وی با بیان اینکه نیمی از ظرفیت تاکسیرانی در پوشش سرویس مدارس صرف شده است، گفت: البته مسافران نباید نگران کمبود تاکسی در طول سال تحصیلی باشند.

وی اضافه کرد: ۳۵۰ نقطه در شهر شناسایی شده که ممکن است با بازگشایی مدارس دچار شلوغی و تجمع مسافران شود که برای این نقاط که عمدتا پایانه‌ها، برخی میادین و تقاطع‌ها هستند نیز چاره اندیشی شده است.

مظفر افزود: نیمی دیگر از ظرفیت سرویس مدارس را خودروهای شخصی پوشش داده‌اند که مسئولیت و انعقاد قرارداد با این رانندگان خودروهای شخصی بر عهده مدیریت مدرسه است اما بر اساس آئین نامه ، آموزش آنها باید توسط سازمان تاکسیرانی شهر تهران صورت گیرد. وی با اعلام خبر اختصاص ۱۱۰۰ دستگاه تاکسی ون و سواری به سرویس مدارس دانش آموزان معلول و استثنایی شهر گفت: بر اساس هماهنگی‌های انجام شده با اداره آموزش و پرورش شهر تهران و درخواست مدیران مدارس استثنائی امسال ۱۱۰۰ تاکسی در اختیار این مدارس قرار می‌گیرند که پیش بینی می‌شود پنج هزار نفر را جابجا کنیم.

وی با بیان اینکه این خدمت رسانی به مدارس دانش آموزان معلول و استثنائی کاملا رایگان است گفت: مدیران این گونه مدارس در صورت تمایل باید فرم‌هایی را که در اختیار اداره آموزش و پرورش شهر تهران قرار داده‌ایم را پر کرده تا پس از گذراندن شرایط نسبت به اخذ سرویس برای این دانش آموزان اقدام شود.

رونق کسب و کارهای بازار محور زنان

مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید با بیان اینکه بخش عمده جمعیت تحصیلکرده و جوان کشور را زنان تشکیل می‌دهند ابراز امیدواری کرد: با همکاری معاونت امور زنان، زمینه بهبود فضای کسب و کار برای زنان فراهم شود.

به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران(وطن)؛ اصغر نورالزاده از امضای تفاهم‌نامه همکاری با معاونت امور زنان ریاست جمهوری خبر داد و گفت: هدف اصلی این تفاهم‌نامه توانمندسازی، ساماندهی و حمایت از ایجاد فرصتهای شغلی و کسب و کارهای خانگی و خرد و کوچک بازارمحور با اولویت توسعه فعالیتهای شبکه‌ای، پشتیبانی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات است.

به گفته وی، بخش اعظمی از مشکلات بانوان بازاریابی و عدم عرضه محصولات تولیدی در بازار است و بر اساس این تفاهم‌نامه، زمینه ایجاد اشتغال پایدار با اولویت مناطق روستایی، عشایری و کمتر برخوردار فراهم می‌شود.

نورالزاده سقف اعتبار تفاهم‌نامه را ۱۰۰۰ میلیارد ریال عنوان کرد و گفت: این میزان اعتبار از محل منابع صندوق کارآفرینی امید به طرح‌های معرفی شده از سوی معاونت زنان و پس از بررسی و تایید در چارچوب ضوابط صندوق پرداخت خواهد شد.

مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید در ادامه درباره راهاندازی شبکه مهتاک، گفت: مرکز هم افزایی و تعاملات اقتصادی کارآفرینان (مهتاک) به منظور حمایت از تولید کنندگان در عرصه بازاریابی راه اندازی شده است.

وی گفت: این سامانه به شکل مجازی طراحی شده و امکان ایجاد صفحات مجازی برای معرفی محصولات تولید کنندگان و همچنین بازاریابی و عرضه این محصولات توسط فروشندگان را به وجود آورده است.

نورالزاده در ادامه با اشاره به ظرفیتهای موجود در مناطق آزاد تجاری از امضای تفاهم‌نامه همکاری با سازمان منطقه آزاد تجاری – صنعتی چابهار خبر داد و گفت: هدف از انعقاد این تفاهم‌نامه، گسترش فرصتهای کسب و کار با اتکا به نیاز بازارهای داخلی و بین المللی به ویژه کشورهای همسایه مناطق آزاد است.

وی گفت: در نظر داریم با استفاده از توانمندی‌های بومی و محلی، اهداف اقتصاد مقاومتی را در ایجاد فرصتهای کسب و کار پایدار برای جوانان محقق کنیم.

به گفته مدیرعامل صندوق کارآفرینی امید، مبلغ ۵۰ میلیارد ریال به منظور تامین اعتبار طرح‌های معرفی شده توسط منطقه آزاد چابهار از محل منابع صندوق اختصاص می‌یابد که پس از بررسی‌های لازم در اختیار افراد واجد شرایط قرار خواهد گرفت.

منبع: ایسنا

شورایاران از نظر قانونی

مشکلی نداریم، ولی متاسفانه در اجرا ضعیف هستیم. خود ما سعی

کردیم با همکاری هیات امنا کارها را به صورت دستوری انجام ندهیم، با بیشتر دوستانی که اعضای

شهرداری در سطح تهران هستند رابطه خوبی داریم و دقت کردیم که چگونه کار می کنند. در ادامه

بر شکل گیری کار گروه های تخصصی که به عنوان بازوهای مدیریت محله

هستند، تمرکز کردیم. معضلات را دیدیم، دغدغه‌ها را احساس و اولویت بندی کردیم.



مدیرعامل شرکت توسعه مجتمع های ایستگاهی مترو تهران: تصمیمی بر احداث مجتمع ایستگاهی در محدوده تئاتر شهر وجود ندارد

میرزا حسینی در گفت و گو با خبرنگار شهرنوشت با اشاره به انتشار اخباری مبنی بر ساخت مجتمع ایستگاهی در محدوده تئاتر شهر گفت: مطلب عنوان شده صحیح نیست و شرکت توسعه مجتمع ایستگاهی مترو که متولی احداث مجتمع های ایستگاهی است، هیچ تصمیمی راجع به احداث مجتمع ایستگاهی در جلوی تئاتر شهر ندارد. وی تصریح کرد: هیچ مجتمع ایستگاهی در ضلع جنوب شرقی چهارراه ولیعصر که تئاتر شهردر پارک دانشجو وجود دارد، ساخته نخواهد شد. به گزارش شهرنوشت طی هفته جاری اخباری در فضای مجازی به نقل از رئیس کمیته میراث فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران مطرح شده که شرکت مترو قصد دارد مجتمع ایستگاهی مترو در محدوده بنای ملی تئاتر شهر با داشتن حدود ۲۰ متر ارتفاع، احداث کند و منظر و حریم بنای ملی و ثبت شده تئاتر شهر را مخدوش می کند.

متاسفانه شهر داری نمی خواهد جایی را بخرد!

تهاتری یک ساختمان رفت ولی مشکلاتی پیدا شد.

درب هر دو آسانسور را جوش داده اند!
سوم؛ ترافیک ۱۶ متری بسیار سنگین است و از پلیس هم خبری نیست. راهنمایی رانندگی هم می گوید که نیرو نداریم در صورتیکه حداقل می شود کاری کرد که ماشین ها دوبله پارک نکنند. چهارم؛ ایجاد خطوط بی آر تی و مسدود شدن دسترسی آسان است. برخی از طرح های شهرداری ظاهرا خوب است، اما وقتی به مسائل جانبی طرح می نگرید، متوجه می شوید که مشکلات ریزی هم دارد که آزار دهنده است. به طور مثال راه اندازی خط بی آر تی کار بسیار به جایی بود که ترافیک را روان کرد، اما اگر یک جانباز یا معلولی بخواهد با ویلچر از مجیدیه شمالی به مجیدیه جنوبی برود تقریباً امکان ندارد. بدین ترتیب برای عبور از این خیابان باید از چهارراه مجیدیه بیاید نزدیک میدان رسالت، دور بزنند و دوباره برگردد. هرچند آسانسور و پله برقی گذاشتند، اما درب هر دو آسانسور را جوش داده اند! در مورد پله برقی هم باید گفت که اولاً از شش لاین یک یا دو لاین همیشه خاموش است. وقتی هم که مطرح می کنیم، می گویند مربوط به منطقه ۴ است و به منطقه ۸ ارتباطی ندارد. پنجم؛ نداشتن بازار روز، یک بازار روز در محل نداریم و مجبور هستیم برای رفع نیاز از مناطق دیگر استفاده کنیم. حال فرد مسنی که می خواهد خرید کند باید از پله ای که بیشتر مواقع برق آن قطع است به سختی بالا برود لذا بعد از مدتی مجبور می شود از میوه فروشی محله خرید کند. متاسفانه شهرداری نمی خواهد جاهایی را بخرد درحالیکه اگر بخواهد پول بدهد بعضی از زمین ها را راحت می تواند خریداری کند و مشکل عمده را حل کند.



مستأجر دیگر محلات هستیم

بررسی مشکلات محل آخرین موردی بود که گودرزی مورد توجه قرار داد و در خصوص آن اظهار داشت: مشکلات محله گسترده هستند. اول؛ کمبود فضای تفریحی، مردم خواهان محلی برای گذراندن اوقات فراغت هستند اما جایی را نداریم. تنها پارک صبا بود که آقای "اطمیشی" وقف کرده بود و خودش هم برایش برق آورد و هزینه کرد. اما متاسفانه اسم پارک را عوض کردند و فقط زحمتش برای او ماند. البته در ضلع شرقی دو، سه پارک وجود دارد که شهرداری به ما می گوید از پارک محله کرمان یعنی پارک فردوس استفاده کنید. به عبارتی ما را مستاجر دیگر محلات کرده اند. دوم؛ کوچک بودن ساختمان سرای محله، به دلیل اینکه ساختمان سرای محله مان کوچک است، همیشه شلوغ است. هیچ جایی نداریم که بتوانیم همه بچه ها را بیاوریم یا برنامه هایی برای خانم ها داشته باشیم. البته در این خصوص ما خیلی تلاش کردیم، شهردار منطقه هم انصافاً تا پای خرید

مشکلمان به ما مراجعه می کنند و ما می گوئیم که مشکل مرتبط به محله ما نیست و باید به طور مثال به محله کرمان بروید واقعا حس خاصی بهشان دست می دهد که چرا باید اینطور باشد. بدین ترتیب با تقسیم بندی ناموزون و نامتقارن شهرداری محله ها از هم جدا شده اند. چند بار هم از شهرداری خواستیم که به این مشکل رسیدگی کند چرا که مردم حق دارند از این قضیه ناراحت شوند. پیشنهاد شورایاری محله ما بازنگری در این تقسیم بندی است که خیلی از مطالبات را اگر حل نکنند، حداقل آرام می کند. گودرزی سپس در خصوص ارتباط شورایاری با شهرداری گفت: من به عنوان شورایاری نباید از شهردار منطقه یا تهران توقع داشته باشم که بیاید و مشکل را در محل ببیند، بعد آن را حل کند، بلکه من موظفم مشکل را به شهردار منعکس کنم. اما در کل باید واقع بین بود چرا که گاهی حل مشکل در توان شهرداری نیست و گاهی هم برایشان قابل قبول نیست.

گودرزی دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، عضو هیات امنای مسجد جامع محمدی و شورایاری محله مجیدیه دیگر سخنران این نشست دوستانه بود. وی در آغاز از ارتباط شورایاری با مردم سخن گفت و ابراز داشت: شورایاری فراتر از اینکه مردم محل مسیحی یا مسلمان باشند با آنها همکاری خوبی دارد. به طور مثال دو جشن تولد حضرت قائم و تولد حضرت امام رضا ثامن الائمه (ع) را برگزار کردیم که در آن دوستان مسیحی در کنار مسلمانان هماهنگ و همراه بودند. اما در کل مردم بعد از انتخابات خدماتی را می خواهند و مطالباتی دارند که دست ما برای تامین بیشتر آنها بسته است و امکان عملی شدنش کم است.

لژوم بازنگری در تقسیم بندی محله ها
وی در ادامه با بیان اینکه خواسته ها در مجیدیه به صورت کلان مطرح می شود از تقسیم بندی نامتقارن محله ها گفت و اذعان داشت: اگر به اهالی قدیمی مجیدیه مراجعه کنید و بخواهید از محدوده مجیدیه آگاه شوید به شما می گویند که حشمتیه در جنوب، میدان ملت در شرق، خیابان کرمان در شمال و بزرگراه صیاد شیرازی هم در غرب آن قرار دارد. اما در تقسیم بندی شهرداری اینجا صرفاً به چندین تکه تقسیم شده است. به این صورت که محله مجیدیه از ضلع شرقی به استناد حسن بنا، از ضلع غربی به خیابان اثنی عشری، از شمال به خیابان رسالت و جنوب به میدان امام رضا متصل می شود. بدین ترتیب این تکه کوچک را از وسط محله جدا کرده اند در حالیکه به طور مثال اهالی محله دبستان در کرمان نیز خودشان را جزئی از مجیدیه می دانند یا مسیحیانی که حد فاصل کرمان و اثنی عشری زندگی می کنند هم خودشان را اهل مجیدیه می دانند. وقتی این افراد برای رفع

من به عنوان شورایاری نباید از شهردار منطقه یا تهران توقع داشته باشم که بیاید و مشکل را در محل ببیند، بعد آن را حل کند، بلکه من موظفم مشکل را به شهردار منعکس کنم. اما در کل باید واقع بین بود چرا که گاهی حل مشکل در توان شهرداری نیست و گاهی هم برایشان قابل قبول نیست.

ممنوعیت استعمال سیگار در اماکن عمومی از مهر

دبیر کل جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات با اشاره به اینکه مصوبات قانونی ممنوعیت مصرف دخانیات در اماکن عمومی پس از چندین سال در کشور اجرایی می شود، گفت: این مصوبات به منظور حفظ حقوق شهروندی و تأمین سلامت آنها از مهرماه امسال بطور کامل اجرایی می شود. به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران (وطن)؛ دبیر کل جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات با اشاره به اینکه مصوبات قانونی ممنوعیت مصرف دخانیات در اماکن عمومی پس از چندین سال در کشور اجرایی می شود، گفت: این مصوبات به منظور حفظ حقوق شهروندی و تأمین سلامت آنها از مهرماه امسال بطور کامل اجرایی می شود. قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات و آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی که حدود ۱۰ سال پیش به تصویب رسیده است.

کارخانجات، بیمارستان ها، درمانگاه ها، مطب پزشکان، سالن های نمایش، سینماها، سالن هتل ها، مهمانسراها و میهمان پذیرها، ستوران ها، موزه ها، پایانه های مسافربری، فروشگاه های بزرگ، اماکن فرهنگی و فرهنگسراها، کتابخانه های عمومی، ورزشگاه ها، مدارس، دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، اماکن متبرکه و مقدسه، مساجد، مصلی ها، وسایل نقلیه عمومی، مؤسسات و سازمان های دولتی و عمومی، بانکها، شرکت های دولتی و شهرداریها از جمله اماکن عمومی هستند که باید استعمال دخانیات در آنها ممنوع شود.

محمدرضا مسجدی روز دوشنبه در گفت و گو با ایرنا افزود: اداره بهداشت محیط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شهرداری ها، دادستانی ها و نیروی انتظامی با مشارکت هم در صدد اجرای کامل این موضوع مهم هستند.

وی با اشاره به اینکه آیین نامه و قانون بسیار مناسب در این زمینه در کشور داریم که یکی از بهترین قوانین دنیا است، اظهار کرد: از زمان تصویب این آیین نامه، نظارتی بر اجرای دقیق و عملی آن تاکنون وجود نداشته و در کنترل و اعمال آنها هم ضعیف بودیم که امیدواریم با همت جدی متولیان به هدف مهم، ممنوعیت مصرف سیگار در اماکن عمومی دست یابیم. مسجدی اظهار کرد که براساس ماده یک آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی، مصرف هر نوع سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مسقف ممنوع می باشد اما تاکنون این موضوع بطور کامل در کشور اجرایی نشده است.

وی حضور موثر دستگاه هایی مانند وزارت بهداشت، وزارت صنعت معدن و مجلس شورای اسلامی را فرصتی مناسب برای اجرای کامل این موضوع دانست و گفت: وزارت بهداشت در دولت یازدهم به طور جد دنبال اجرایی شدن این موضوع است.

دبیر کل جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات گفت: ممنوعیت مصرف سیگار در اغلب کشورها از جمله ترکیه و پاکستان در حال اجرا می باشد و ما هم باید آن را در همه مناطق کشور اجرایی کنیم.

پدیده

فرم درخواست اشتراک هفته نامه "پدیده شهر"

کلیه متقاضیان محترم می توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۱۰۰۸۰۸۷۸۵۸۳۵ نزد بانک شهر شعبه میدان نبوت (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام سیمین سالاری اسکر واریز واصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

- * تماس با شماره تلفن ۸۸۳۲۰۶۵۴ جهت هماهنگی های لازم .
- * مراجعه به آدرس دفتر واقع در میدان هفت تیر، خیابان بهار شیراز، خیابان خاطر، خیابان ملایری پور غربی، پلاک ۱۰۹، ساختمان سپنتا ، واحد ۵، طبقه ۲
- * ارسال از طریق ایمیل salari.abedin@gmail.com

شرایط اشتراک

- * شروع ارسال هفته نامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.
- * مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می باشد.
- * نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می باشد.
- * در صورت عدم دریافت هفته نامه مراتب را به دفتر هفته نامه اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می شود.
- توجه: لطفاً کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۳۵۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۱/۰۵۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین وسیله ریال وجه نقد فیش چک بشرح زیر جهت اشتراک نسخه هفته نامه "پدیده شهر" به مدت ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش / چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی دریافت کننده :						
امضا دریافت کننده :						

توجه: لطفاً نحوه مطلوب دریافت هفته نامه را اعلام دارید .

مدت اشتراک:	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
نام :	نام خانوادگی: نام موسسه:			
آدرس دقیق :			
کد پستی:	تلفن:			
شخصات متقاضی	امضای متقاضی :			



instagram: padidehshahrweekly telegram: @padidehshahr www. padidehshahr. com September 24, 2016 ۱۲ صفحه ۵ سال سوم ۵ دوره جدید، شماره: ۹، شنبه ۳ مهر ۱۳۹۵

حضور اشترک ایرانی و خارجی در فراخوان ساخت دو زیاده سوز ۱۶۰۰ اتنی

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران از پایان زمان حضور در فراخوان عمومی طرح ساخت دو نیروگاه پسماند سوز خبر داد و گفت: اشترک ایرانی و خارجی متقاضی ساخت دو زیاده سوز با ظرفیت ۱۶۰۰ اتن در تهران هستند. حسین جعفری در گفت و گو با خبرنگار «تهران سما» با اشاره به اینکه ساخت زیاده سوز بر اساس مصوبات شورای شهر در برنامه پنجساله دوم شهرداری تهران قرار دارد اظهار کرد: هزینه های پیش بینی شده برای ساخت دو زیاده سوز بالغ بر دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان است. وی با اعلام اینکه اسناد مورد نظر در اختیار شرکت های متقاضی قرار گرفته است خاطر نشان کرد: ظرف مدت ۳۴ روز باید این اسناد عودت داده شود و بدین ترتیب در مرحله بعدی کمیته فنی و مالی جهت ارزیابی قیمت های پیشنهادی تشکیل می شود. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران تاکید کرد: تنها شرکت هایی که دارای تکنولوژی پیشرفته در زمینه ساخت نیروگاه پسماند سوز هستند امکان حضور در این فراخوان را داشته اند، به طوری که در حال حاضر تعدادی از این شرکت ها از کشورهای آلمان، چین و فرانسه در این فراخوان شرکت کرده اند که باید در انتظار نتیجه ارزیابی طرح ها توسط کمیته فنی و مالی باشند.

۹ پرتنده

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

مدیرکل دفتر نظارت بر طرح های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی در رابطه با پروژه «سهیل» مطرح کرد:

اعلام تخلف به مراجع قضایی

مدیرکل دفتر نظارت بر طرح های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی با اعلام بررسی موضوع کودبرداری ۳۲ متری خیابان سهیل در شورای عالی شهرسازی و معماری از ممانعت ادامه اجرا و اعلام تخلف به مراجع قضایی خبر داد و گفت: وقتی گفته می شود کمیسیون ماده ۵ مجوز ۴ طبقه داده بدین معناست که ما با ارتفاعی تا ۲۰ تا ۲۲ متری روبه رو هستیم در حالیکه این پروژه بالغ بر ۳۸ متر است. مسعود حمزه ای مدیرکل دفتر نظارت بر طرح های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی در بیان مشکلات شهرسازی و معماری پروژه سهیل (خیابان میرزاپور) که چندی است از سوی معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران به عنوان پروژه ای کاملا قانونی عنوان می شود در حالیکه نظارت مسئولان ارشد وزارت راه و شهرسازی خلاف گفته های شهرداری است گفت: شهر تهران در طرح جامع مصوب از چهار پهنه R مسکونی، S خدمات، M مختلط و G حفاظت، تشکیل شده است. پهنه سکونت الزاما به معنای اینکه تمام کاربری های موجود در پهنه، مسکونی باشند نیست اما بهر حال چهارچوبی را به غیر از سکونت صراحتا در طرح جامع تعیین شده است.

مدیرکل دفتر نظارت بر طرح های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی در تعریفی پهنه سکونتی از منظر قانون شهرسازی گفت: تعریف پهنه سکونت محدودهایی از شهر هستند که کاربری غالب آن مسکونی بوده و علاوه بر پلاک مسکونی شامل شبکه معابر، دسترسی ها و خدمات پشتیبان سکونت هستند. در این پهنه

به منظور تامین امنیت و آرامش، استقرار طیف وسیعی از فعالیت ها، متنوع و یا مشروع بوده و صرفا استقرار فعالیت تجاری و خدمات ۷ گانه در مقیاس محله و ناحیه مرتبط با نیاز ساکنان مجاز است. حمزه ای کودبرداری ۳۲ متری خیابان سهیل در منطقه یک شهرداری تهران را در بافت مسکونی خلاف تعاریف رایج عنوان کرد و گفت: طبق تعریف طرح جامع شهر تهران مصوب سال ۸۶ که الزاما و باید طرح تفصیلی در چهارچوب آن تعیین تکلیف شود آمده است که در پهنه های مسکونی فعالیت ها باید در جهت رفع نیاز ساکنان تعریف شود. تامین نیازهایی همچون سوپرمارکت، درمانگاه و مراکزی از این دست هستند که قابل قبول بوده و در طرح های بالادستی می گنجد نه آنکه یک مرکز تجاری-فرهنگی-ورزشی که هیچ توجیه شهرسازی ندارد. این مقام مسئول درباره چرایی صدور مجوز کمیسیون ماده ۵ برای اجرای طرح تجاری-فرهنگی خیابان سهیل (میرزاپور) گفت: کمیسیون ماده ۵ در طی دوره های زمانی ۹۰ تا ۹۲ مجوزهایی را صادر کرد که متأسفانه تعدادشان زیاد است و بیشتر آنها نیز خلاف ضوابط شهرسازی و طرح های مصوب شهری همچون طرح جامع است. مجتمع کوروش، پالادیوم دو نمونه ای هستند که به معنای واقعی تجربه ناموفق مال ها و مجتمع های تجاری هستند که به صورت بی ضابطه در بافت مسکونی شکل گرفتند و به شدت آرامش و زندگی مردم محله را تحت تاثیر قرار دادند و این هم می تواند در صورت ادامه به سومین نمونه منتهی شود.

این مقام مسئول درباره چرایی صدور مجوز کمیسیون ماده ۵ برای اجرای طرح تجاری-فرهنگی خیابان سهیل (میرزاپور) گفت: کمیسیون ماده ۵ در طی دوره های زمانی ۹۰ تا ۹۲ مجوزهایی را صادر کرد که متأسفانه تعدادشان زیاد است و بیشتر آنها نیز خلاف ضوابط شهرسازی و طرح های مصوب شهری همچون طرح جامع است. مجتمع کوروش، پالادیوم دو نمونه ای هستند که به معنای واقعی تجربه ناموفق مال ها و مجتمع های تجاری هستند که به صورت بی ضابطه در بافت مسکونی شکل گرفتند و به شدت آرامش و زندگی مردم محله را تحت تاثیر قرار دادند و این هم می تواند در صورت ادامه به سومین نمونه منتهی شود.

پارکینگ اضافه بود که منجر به عمق گود قابل توجهی داشت که شکل گرفت. وی تصریح کرد: وزارت راه و شهرسازی به لحاظ قانونی می تواند در صورت مشاهده تخلف، مورد را با ذکر تخلف به مرجع صادرکننده پروانه (شهرداری) و ناظر پروانه اعلام کند و تا رفع تخلف مانع از شکل گیری اجرا شود. حمزه ای گفت: مکاتباتی با شهرداری داشتیم و درخواست مستنداتی را کرده ایم تا بدینم با چه مشکلاتی روبه رو هستیم. در حال حاضر،

این ساختمان یک ساختمان ۴ طبقه است و طبق نقشه های موجود، ارتفاع این ساختمان بالغ بر ۳۸ متر معادل با یک ساختمان ۱۰ طبقه است و اینها نقشه هایی است که به تصویب مراجع صادرکننده پروانه رسیده است. همچنین دو نیم طبقه تعریف شده است. در حالیکه نیم طبقه تعریف قانونی دارد و در این طرح بالغ بر ۴ متر ارتفاع دارد یعنی خودش یک طبقه محسوب می شود. وی ادامه داد: وقتی گفته می شود کمیسیون

ماده ۵ مجوز ۴ طبقه داده بدین معناست که ما با ارتفاعی تا ۲۰ تا ۲۲ متری روبه رو هستیم در حالیکه این پروژه بالغ بر ۳۸ متر است. همچنین، زمانیکه کمیسیون ماده ۵، ۶ طبقه پارکینگ می دهد ما در مرحله اجرا عملا با ۸ طبقه پارکینگ روبه رو می شویم زیرا پارکینگ ۱- و ۲- فقط صوری است و بلافاصله بعد از شروع عملیات تبدیل به طبقات تجاری می شود و با توافق شهرداری و مالک در حقیقت سیستمی شکل می گیرد که دوش فقط به چشم شهروندان می رود.

روابط عمومی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به سوالات مهندسان مشاور در خصوص پروژه سهیل پاسخ داد:

ساخت مجموعه فرهنگی، ورزشی و تجاری بر اساس طرح تفصیلی بود نه احساس!

کمیسیون ماده ۵ سایر شهرها بپردازند. تمامی مصوبات کمیسیون ماده ۵ به دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ارسال می شود. مطابق بند ۳ ماده ۲ این شورا و همچنین بند های ۳ و ۴ ماده ۴ آن در صورت وجود دبیرخانه ماده ۵ اعلام می شود که مجددا در جلسات مطرح و به این معیارهای احتمالی پاسخ دهند که در ارتباط با این پرونده و مصوبه هیچ اعلامی مبنی بر مغایرت با طرح جامع از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری انجام نشده است.

جای بسی تعجب است که به رغم آنکه رئیس سازمان پارکها اراضی با ریشه موافقت و بافته را باغ می شناسد، اما چگونه است ملک به این بزرگی را باغ تشخیص نداده است!!!

طبق قانون و آئین ماه اجرایی قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها ملکی باغ محسوب می شود، که حداقل یکی از شرایط زیر را داشته باشد: نخست آنکه ۵۰ متر مربع مساحت داشته باشد. اگر در این زمین بنایی یا مستعداتی باشد به طور متوسط در هر ۱۶ متر مربع از محوطه باز خارج از ساختمان باید یک اصله درخت وجود داشته باشد و در صورت عدم سابقه ساخت بنا باید به طور متوسط در هر ۲۵ متر بنا یک اصله درخت مثمر و یا غیر مثمر وجود داشته باشد.

دوم اینکه سند مالکیت و یا سند مادر آن به عنوان باغ، بافتچه، زمین مشجر و یا باغ عمارت باشد. بند سوم به این مساله اشاره دارد که سابقه برای دایر باغچه و دایر مشجر از کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری باشد. یا محل هایی که در حریم شهر توسط وزارت جهاد باغ شناخته می شود و یا زمین هایی که به تشخیص شورای شهر باغ شناخته می شود. این موارد شرایطی است که یک ملک باغ تشخیص داده شود به دلیل اینکه چنین شروطی در رابطه با این زمین نبوده در نتیجه این محل باغ مشخص نشده است. همانطور که در سند عنوان این زمین آمده بوده به مساحت ۱۲۷۰ مترمربع که سوله و کارگاه و محل ترانسفورماتور بوده و معلوم می شود که این زمین باغ نبوده است. بنابراین تصمیم کمیسیون ماده ۵ برای اینکه این زمین را باغ تشخیص نداده؛ تصمیم درستی بوده است. تعیین موارد این چنینی به سلیقه نیست و براساس مواد قانونی است.

هفته گذشته بود که هفته نامه پدیده شهر به بررسی ابهامات موجود در پروژه تجاری، ورزشی و فرهنگی سهیل واقع در منطقه یک تهران پرداخت. دراین گزارش هم نظر معاون مسکن وزیر راه و هم اظهارات و توضیحات معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران مطرح شد. در انتها نیز سوالات و ایراداتی از سوی مهندسان مشاور که به اجرای این پروژه انتقاد داشتند؛ مطرح شد. به رغم آنکه در آخرین ساعات روز جمعه مدیر روابط عمومی و امور بین الملل معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به این سوالات و ایرادات پاسخ گفت، به همین دلیل تصمیم گرفتیم تا در این شماره جواب مسئولان معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به این سوالات منتشر شود که در ذیل می خوانید:

کمیسیون ماده ۵ ذیل شورای عالی شهرسازی و معماری قرار دارد و یکی از وظایف آن نظارت بر عملکرد کمیسیونهای ماده ۵ است در گفت و گویی که معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران در مورد پروژه خیابان سهیل واقع در منطقه یک مطرح کرد، هیچگاه به این مساله اشاره نکرداند کمیسیون ماده ۵ به عنوان یک نهاد فرادستی زیر مجموعه شورای عالی معماری و شهرساز قرار ندارد. اگرچه وظایف و ترکیب کمیسیون ماده ۵ براساس ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مشخص شده است. براساس این ماده قانونی و تبصره های ذیل آن؛ کمیسیون دارای یک ساختار مستقل و وظایف و اختیارات مشخص در بررسی و تصویب طرح های تفصیلی شهری و تغییرات آنهاست. به عبارت ساده تر در ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی معماری و شهرسازی مشخصا به کمیسویی اشاره دارد که وظیفه اش بررسی و تصویب طرح های تفصیلی شهر و تغییرات آن است. در استان ها به ریاست استانداران و دبیری ادارات کل راه و شهرسازی استان هاست و در تهران به ریاست شهردار تهران است که دبیرخانه آن نیز در شهرداری تهران قرار دارد. خوب است این مهندسان منتقد که این قدر که روی مصوبات کمیسیون ماده ۵ شهر تهران -که به ادعای معاون شهرسازی و معماری وزیر راه در جلسات بهترین مصوبات را در مقایسه با کمیسیون های ماده ۵ سایر شهرها دارد- قدری نیز این مهندسان مشاور به عملکرد

طرح تفصیلی شهر تهران به آدرس دامنه: ir.ashtrk قابل رجوع است و این افراد می توانند ببینند که کاربری این ملک مسکونی بوده است. به احتمال ۹۹ درصد کاربری آن خدماتی بوده و جزو اراضی شناسایی شده بیش از ۲۰۰۰ مترمربع بوده است. خیر کاربری این ملک مسکونی بوده است و این ادعا قابل رد و دسترسی در بخش هایی که در جواب موضوع مطرح شده در بالا به آن اشاره شد؛ است. البته لازم به یادآوری است که به کاربری های این زمین ۹۹ درصدی نمی گویند بلکه صدرصد این ملک مسکونی بوده است.

در مورد اراضی یا مساحت بیش از ۱۰۰۰۰ مترمربع مساحت در تراکم ضرب نمی شود بلکه باید براساس سرانه های خدماتی نسبت به جمعیت پذیری این قبیل املاک اقدام کرد. البته مشروط بر اینکه کاربری مسکونی باشد و حداکثر جمعیت پذیری آن حدود ۱۶۰ واحد مسکونی یا ۵۰۰ نفر بوده و نه ۲۰۰۰ نفر چون در آن زمان طرح تفصیلی جدید ابلاغ نشده بود

باز نیز به این مساله اشاره می شود، در زمانی که جواز این ملک صادر شده بود، طرح تفصیلی جدید یک سال بعد از ابلاغ شده بود. جمعیت پذیری با این نگرده است و براساس محاسبه کردیم و عنوان شد که جمعیت این ملک در صورت مسکونی بودن ۱۵۰۰ نفر است براساس زیربنای ملک مسکونی و بر مبنای تعداد واحدهای مسکونی فرضی که اگر براساس ضوابط طرح تفصیلی صادر می شد؛ محاسبه شده است. محاسبه جمعیت پذیری آن عین ضابطه بوده و اگر براساس ضابطه روز خود پروانه مسکونی از شهرداری تهران می گرفت، جمعیت پذیری این مجموعه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر بود.

براساس همین طرح جامع ۱۳۸۶ که خود حدیث مفصل دارد و بهمانند؛ اولاً اراضی با وسعت بیش از ۱۰۰۰۰ مترمربع باید تحت عنوان خدمات توسعه شهر فریز می شد در همه پهنه ها تا چنانچه در تهیه طرح های تفصیلی دیده نشدند، سپس با تهیه طرح امکان سنجی با مطالعات کامل به کمیسیون ماده ۵ ارسال شوند

شاید یادآوری این نکته ضروری باشد که اولاً این اراضی به عنوان زمین های توسعه شهر فریز نمی شود بلکه این کار براساس توسعه و نوسازی انجام می شود. دقیقاً کمیسیون ماده ۵ در مورد این ملک به این دلیل که طرح توجیهی را

در اختیار داشت براساس همین طرح مصوب کرد که این ملک به جای اینکه مسکونی باشد، اقدام به ساخت مجموعه فرهنگی و تجاری و ورزشی کند. ایرادی که دوستان منتقد می گیرند؛ ایراد اشتباهی است. این افراد به یک مساله استناد می کنند اینکه باید مصوبه کمیسیون سال ۹۰ برای این زمین انجام می شده است. بحثی در مورد سال ۹۰ و یا ۹۱ نداریم. بلکه حرف ما این است که مالک این زمین می توانست با ضابطه روز طرح تفصیلی عمل کرده و براساس مصوبات موجود جواز خود را به صورت ۷ طبقه مسکونی از شهرداری تهران بگیرد. ما به این مساله اشاره داریم که این کار را نکرده است و براساس مصوبه ابلاغی کمیسیون ماده ۵ مجموعه فرهنگی، ورزشی و تجاری را دریافت کرده این حالت بهتر از اجرای پروژه به صورت مسکونی است.

بنابراین مصوبه کمیسیون ماده ۵ بدلیل عدم رعایت همین مطالب فوق صد درصد قابلیت ابطال دارد! اتفاقاً توسط شورای عالی شهرسازی و معماری

این مصوبه قابلیت ابطال ندارد به این دلیل که در زمان خود این مصوبه به دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ابلاغ شده است و هیچ نامهای نسبت به این مساله در مهلت قانونی انجام نشده است.

ارایه این پیشنهاد توسط شهرداری در کمیسیون خلاف قانون است و به تبع آن اعضای محترم ماده ۵ هم فراتر از اختیارشان تصمیم گیری نموده اند

همانطور که در ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری مطرح شده است؛ در اولین حمله ماده ۵ آمده است بررسی و تصویب طرح های تفصیلی شهری و تغییرات آنها اختیار کمیسیون ماده ۵ است. گویا منتقدان آشنایی ای به مفاد قانونی ندارند.

واقعاً مجموعه ای باز بر بنای حدود یکصد هزار مترمربع عملکرد محله ای و ناحیه ای دارد؟! تمام بنای انتفاعی این مجموعه ۳۶ هزار متر مربع است باقی متر از این بنا تا ۱۱۰ هزار متر مربع پارکینگ است که در طبقات تحتانی قرار داشته و روی زمین نیست. ۸ طبقه پارکینگ به صورت منفی است و ۳۶ هزار متر مربع به صورت ۴ طبقه روی همکف کاربری های تجاری، ورزشی و فرهنگی دارد و می تواند کاربرد محله ای و منطقه ای داشته باشد چرا که به همین عنوان این منتقدان صحبت می کنند اگر این ملک در معبر

اصلی بود، حتما این دوستان عنوان می کردند که این مجموعه مشکلات ترافیکی ایجاد کرده است. تهران از چه زمانی این قدر پیشرفت کرده که سرانه محلات و نواحی اش بیش از ۱۰۰۰۰ مترمربع وسعت دارد

این سوال یک سوال غیر فنی است. این مجموعه سرانه محله نیست بلکه عرصه هایی برای تامین سرانه محله است.

در تعریف محلات و نواحی اصناف مشخصی مانند بقالی اتوشویی و نانوايي... مستقر می شود در این محدوده می تواند خدمات مورد نیاز محلی مانند خشکشویی یا سوپرمارکت هم وجود داشته باشد. برای این ملک تعداد طبقات کمی دیده شده است. واحدهای تجاری بزرگ مقیاس برای تامین خدمات مورد نیاز مردم مانند شهروند و هایپر که طیف وسیعی از خدمات محلی را برای مردم تامین می کند؛ در این مجموعه دیده است.

جالب است اعلام می شود بیش از ۱۵۰۰ ظرفیت پارکینگ دارد، با کدام دسترسی قصد هدایت ۱۵۰۰ اتومبیل را به محل پارک دارید دسترسی هدایت خودروها به پارکینگ این مجموعه از همان دسترسی که صدها هزار متر خاکبرداری از این زمین انجام شده انجام می شود. بنابراین اگر دسترسی ای وجود دارد که کامیون ها به عمق ۲۵ مترو ۳۰ متر تردد کنند و خاک حاصل از خاکبرداری را بیرون ببرند؛ حتما امکان دسترسی برای خودرو سبک و سواری سبک نیز دارد.

این محله در بن بست بوده و بزرگترین عرض معبرش حداکثر ۱۸ متر عرض دارد (جمع کننده ای محلی) بارگذاری ترافیکی در حد بزرگراه زبرنسا در حد شهری و فراتر از اما عملکرد محله سهیل کمندی ترازوی جالبی است؟! البته توصیه های لازم را برای اینکه میزان دسترسی های این مجموعه بیشتر شود به مالک و شهرداری منطقه ابلاغ کرده ایم. مالک آن تلاش کردند که در قسمت جنوب دسترسی بزرگراه صدر ایجاد کنند. در هر صورت باید پذیرفت که ما در اینجا زمینی به وسعت ۱۲ هزار متر مربع داریم که دو گزینه داریم نخست آنکه مطابق طرح تفصیلی یک مجتمع مسکونی شود که خود مجموعه ای جمعیت پذیری قابل توجهی داشت و دوم اینکه بخشی از نیازهای تجاری، خدماتی محله و ناحیه را پوشش دهد که کمیسیون ماده ۵ به این نیاز پاسخ داد.



کارگاه عرفان های نوظهور بر گزار شد

کارگاه عرفان های نوظهور برای بررسی چگونگی و چرایی پیدایش گروه های متعدد عرفانی در حوزه رفتار اجتماعی در کانون بانوان میثاق برگزار شد. به گزارش پایگاه خبری سازمان های غیردولتی ایران (وطن): در این کارگاه در مورد شبکه های که در خارج از ایران طراحی می شود و با هدف اسلامی زبانی با نامهای عرفانی در ایران تشکیل گروه می دهند صحبت شد. همچنین از عواقب مضرات روحی، جسمی، شرکت کنندگان در این گروه ها مطالبی مستند ارائه شد. در ادامه این کارگاه فردی که نا دانسته جذب گروه حلقه شده بود سپس از ترک گروه دچار مشکلات جسمی زیادی شده بود باز مشاهده خود در جلسات حلقه صحبت کرد. در خاتمه این کارگاه ۲ ساعته پرسش و پاسخ صورت گرفت و ژیلما مصطفی پور دبیر کانون بانوان میثاق از کارشناس تقدیر و تشکر کرد. در این کارگاه شرکت کنندگان حدود یکساعت بصورت مشاوره خصوصی با کارشناس صحبت کردند.

هفته نامه «پدیده شهر» وضعیت کار و زندگی در روستای شمس آباد حریم تهران را بررسی می کند:

اینجا نان، عشق و کار رویایی است پشت پلک کودکان!



زیر تیتراژ ۲، شمس آباد دانش آموز ندارد... چون مدرسه ای ندارد... هر کسی می خواهد درس بخواند به روستاهای اطراف مانند گلدسته می رود... اما انتقاد شرایط زندگی سخت است که پسران و دختران از زمانی که به راه می افتند باز یچه شان خشت است و گل... کمی بزرگ است که می شوند آجرری اجری چینند و بر بلندای ردیف های آجر بازی می کنند... از هفت سالگی هم تنها باز یچه آنها فرغون هایی می شود که اجرا از کوره به زیر آفتاب می برد و شابلون هایی که گل ها را قالب می گیرد



دارم و امیدوارم بالاخره روزی باز نشسته شوم. کار در آجرپزی ها جزو مشاغل سخت است و قبلا بیمه رایگان داشت اما از امسال باید بخشی از مبلغ بیمه ماهانه را خودم بپردازم. رسول برادر بزرگتر امیر حسین است که به گفته خوش نزدیک به ۱۷ سال است که برای کار به کوره های آجرپزی آمده است. رسول درباره سختی کار در کوره های آجرپزی می گوید: «قیمت ها را وزارت کار تعیین می کند ولی این قیمت برای کاری به این سختی مناسب نیست با این حال خدا را شکر می کنم که برای نان حلال زحمت می کشم و دستم در جیب خودم است.» آجر پزی ها اغلب قدیمی اند و نام های قدیمی هم دارند البته کمتر کسی نام آنها را می داند. در جست و جو برای آشنایی با این نام ها از «رضا حسین بیگی» کارگر قدیم و سرپرست امروز یکی از آجرپزی های شمس آباد سوال می کنیم. او اکنون رئیس شورای روستای شمس آباد هم هست. حسین بیگی درباره کوره ها می گوید: «عده ای از مالکان کوره ها را خریده اند و گروهی دیگر از پدران ارث برده اند. نام کوره ها نیز معمولا یا به اسم مالکان است یا نوع آجری که تولید می کنند. برای مثال توسل، کیمیا، حاج عرب، برادران زهره، حاجی نائب، کوشیش و اتفاق، نام برخی کوره های شمس آباد است اغلب کوره ها بنچاق دارند. سند تجاری و کد اقتصادی هم دارند و زیر نظر وزارت صنایع کاری کنند. صاحبان برخی کوره ها هم که اخیرا یا در گذشته تعطیل شده اند به دنبال تغییر کاربری هستند که تا به حال محقق نشده است.»

برخی کارگران آجرپزی ها نسل در نسل همین شغل را داشته اند. این افراد کارگران شهرستانی هستند که پدر و حتی پدر بزرگشان طی فصل بهار و تابستان برای کار در آجرپزی ها به روستای شمس آباد می آمدند.

در زمان جنگ دودکش ها به جای بالایشگاه بمباران شدند
در جنگ تحمیلی، هواپیماهای عراق چند بار بجای بالایشگاه تهران این دودکش های عظیم آجری را هدف قرار دادند. ارتفاع زیاد این دودکش ها باعث شده تا آنها را در برابر بادهای شدید بسیار مقاوم بسازند. معماری این برج های بلند و باریک اغلب با ظرافت هایی هم همراه بوده است. نمونه اش اشکال هندسی ای که به کمک آجر روی بدنه برج خودنمایی می کرده است. اما این لوله های آجری بلند که پس از ورود از دروازه جنوبی شهر، هر بیننده ای را به خود خیره می کند، در گذشته ای نه چندان دور فعال بودند. اما حالا هیچ یک کار نمی کنند، البته تخریب هم نشده اند و کنار کارگاه وجود دارند، چون میراث فرهنگی به شمار می روند، الان به جای آنها از فن های بزرگ استفاده می شود که مصرف برق بالایی دارد. قیمت گاز و برق هم که بالا رفته و به همین دلیل اجاره کردن و اداره کوره ها سخت تر شده است. همچنین خاک خود کارگاه ها برای آجرپزی تمام شده و خاک مناسب آجرپزی از سایر نقاط خرید می شود که قیمت حمل و نقل آن هم مدام بالا می رود.

اینجا کودکان کار دستمزد نمی گیرند. آنها کارگرانی هستند که به همراه پدر و یا مادرشان به کوره پزخانه ها می روند تا کمک حال خانواده شان باشد. کودکان از سن ۶ سالگی کار در کوره پزخانه ها را شروع می کنند و خانواده هایی که بضاعت مالی کم و تعداد جمعیت بالایی دارند؛ ترجیح می دهند به جای اینکه کودکانشان را به مدرسه بفرستند روانه کوره پزخانه ها کنند تا کمک حالشان باشند. البته هستند کودکانی که خود یک تنه نان آور خانواده هایشان هستند و به اندازه یک مرد کار می کنند اما تراژدی این کودکان این است که برخی از کارفرماها به جای دادن دستمزد کامل یک کارگر کمترین میزان دستمزد را برای آنها در نظر می گیرند.

همپای علی وجب به وجب شمس آباد را می بینیم و به این فکر می کنیم که چگونه ممکن است روستایی نزدیک تهران نباید از حداقل امکانات زندگی و همسایگی یک ابر شهر بزرگ محروم باشد. چگونه ممکن است که مسئولان چشم اندازشان این قدر محدود باشد که حتی شامل خیلی از مناطق داخلی شهر تهران نیز نمی شود. گویا شمس آباد به دلیل جمعیت شناوری که دارد مشمول حداقل های زندگی نمی شود و قرار است به همت مسئولان در آینده ای نه چندان دور روستای متروک های شود که تنها دودکش های بلند باقی بماند و خانه هایی محروم که دیگر صدای زندگی در آن شنیده نمی شود. چگونه ممکن است در میان شعارهای مسئولان دولت شمس آباد نقطه ای زیر پونز شهر تهران باشد که نه دیده می شود و نه قرار هست در آینده دیده شود.

خاک کار در کوره های آجرپزی را از تن های خسته شان بزدایند... سراغ دانش آموزان را از علی می گیریم و او می گوید: «شمس آباد دانش آموز ندارد... چون مدرسه ای ندارد... هر کسی می خواهد درس بخواند به روستاهای اطراف مانند گلدسته می رود... اما انتقاد شرایط زندگی سخت است که پسران و دختران از زمانی که به راه می افتند باز یچه شان خشت است و گل... کمی بزرگ تر که می شوند آجرری اجری چینند و بر بلندای ردیف های آجر بازی می کنند. از هفت سالگی هم تنها باز یچه آنها فرغون هایی می شود که اجرا از کوره به زیر آفتاب می برد و شابلون هایی که گل ها را قالب می گیرد... آنچه علی می گوید خلاصه ای از زندگی کودکانی است که بدون اینکه کودکی کنند کودکان کار می شوند.

سال هاست که هر سال یکی از دودکش های کوره آجرپزی خاموش می شود تا کودکان نسل جدید از کارگران هنرمندان یک هنر قدیمی؛ کلبوس پایان یافتن آنچه به آن نان و عشق و کار می گویند را نه پشت پلک های شان بلکه در مقابل دیدگانشان به تصویر بکشند.

شمس آباد مرکز درمانی هم ندارد. چون بیشتر کارگران کوره پزخانه های آجر پزی بیمه ندارند. آنطور که پیداست بیشتر کارگران کوره های آجرپزی را خراسانی ها و بعد افغانی ها تشکیل می دهند. البته به دلیل کاهش ساخت و ساز، کار نسبت به گذشته کم است و برخی آجرپزی های شمس آباد عملا تعطیل شده اند.

در حال حاضر کوره های فعال بیشتر تیغه سفالی تولید می کنند که استفاده از آنها در ساخت و ساز رونق بیشتری دارد. البته هنوز آجرهای دستی نیز تولید می شود ولی اغلب آجرپزی ها دستگاه مخصوصی برای تهیه آجر فشاری خریداری کرده اند که سرعت تولید بیشتر و آجرهای سنگین تر و مرغوب تر تولید دارند. در کوره های که دستگاه های تولید آجر فشاری و تیغه ای فعال است هفته ای ۹۰۰ هزار قطعه آجر تولید می کنند در آجرپزی هایی که هم به روش دستی کار می شود هفته ای حدود ۵۰۰ هزار قطعه تولید می شود.

سعید یکی از کارفرماهای کوره آجرپزی است که آخرین آجرهای تولید شده توسط کوره را با کمک چند نفر از کارگران زیر تیغه آفتاب می چیند تا خشک شود. به گفته او؛ اینجا کار از صبح زود شروع می شود تا آخر غروب. در هر کارگاه آجرپزی بیش از ۵۰ نفر کار می کنند و هر کارگر روزانه ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان مزد می گیرد برخی بر اساس تعداد آجرها مزد می گیرند و برخی هم قراردادی کار می کنند یعنی یک میدان را که بخشی از یک کوره است اجاره می کنند.

کوره های با قدمت ۱۰۰ سال
میل های آجری بلند که سال هاست خاصیت دودکش بودن خود را از دست داده اند اکنون حکم المان هایی برای ورود به تهران را برعهده دارند. المان هایی که برای کارگزاران محل کار و کسب درآمد بود و الان احجام آجری ای هستند در دشت تهران. آنطور که قدیمی های شمس آباد می گویند؛ در گذشته اینجا دودکش کارگاه ها بودند اما اکنون هیچ کدام کار نمی کنند. تخریب هم نمی شوند. چون میراث فرهنگی تهران به شمار می روند، الان به جای آنها از فن های بزرگ استفاده می شود که مصرف برق بالایی دارد. قیمت گاز و برق هم که بالا رفته و به همین دلیل اجاره کردن و اداره کوره ها سخت تر شده است همچنین خاک خود کارگاه ها برای آجرپزی هم تمام شده. به همین دلیل و خاک مناسب آجرپزی از سایر نقاط خریداری می شود که قیمت حمل و نقل آن هم مدام بالا می رود.

برخی کوره های شمس آباد بیش از ۸۰ تا ۱۰۰ سال قدمت دارند و دودکش ها که کارگران آنها را میل می نامند دیگر خاموش شده اند حالا کوره های دیگری که شبیه کاروانسراهای قدیمی حجره بندی شده اند با مشعل های گاز داغ می شوند و سفال آجرها را می بزند. جمعیت روستا در فصول سرد سال به ۷۰۰ نفر هم نمی رسد و اغلب در مرغداری ها، گاوداری ها مشغولند، اما ۶ ماه اول هر سال مهاجرت کارگرانی از تربت جام، تربت حیدریه، خراسان و کردستان به گودال هایی از خاک رس جمعیت را به بیش از ۲ هزار نفر می رساند. خانه های کارگران آجرپزی ها که برخی همراه با خانواده مقیم روستا شده اند

امیر جوان ۳۰ ساله ای است که برای بالا بردن تعداد آجرها از نیمه شب که هوا خنک تر است کارش را شروع می کند. ساعت ۳ شب سر کار می آیم و تا غروب روز بعد بوقه بوقه کاری می کنیم. قبلا نصاب ایزوگام بودم و دفتر کار هم داشتم، اما کساد بازار و کمبود سرمایه کارم را به این جا کشاند. ۸ سال بیمه

افسانه قانع؛ اولین زخمه ای که آن مرد بر تارهای کیتارش کشید، بچه ها فهمیدند بر گزار کنسرت واقعی است. فهمیدند که بعد از ۴۰ سال فراموشی پدران و مادرانشان؛ کسی آمده تا آنها را ببیند و کنار خشت هایی که با زحمت یک به یک و رج به رج روی هم چیده شده است؛ کسی صدای خود را در میان تل های آجر رها کند آن هم در روستای شمس آباد. تا همین دیروز بود که بر گزار برنامه ای فرهنگی آن هم در یکی از روستاهای کوچک و فراموش شده در حریم شهر تهران مانند بر گزار کنسرت در جهنم بود. کودکان این روستا می دانند که قرن هاست خورشید زمانی که بر بالای روستایشان می رسد، ساعت ها برای دیدن خشت هایی که با دست های پدران و پسران شکل می گیرد؛ توقف می کند و تیغه تیز گرمایش را روی آجرها می کشد تا خشک شوند و آدمها از گرمای خورشید در فصل گرم تابستان تب کنند. گرما در این روستا تنها مربوط به خورشید نیست بلکه هرم آتش دودکش های آجرپزی و تلاش برای جمع کردن خشت هایی که آرزوی به فروش رفتن آن؛ تمام رویای کودکان این روستا را پر کرده است. حداقل انتظاری که اهالی این روستا که همپای پایتخت شکل گرفت و نامش را از تیغه های تیز نور خورشید شمس آباد انتخاب کردند؛ از پایتخت نشینان دارند؛ این بود که خیرین این شهر بزرگ برایشان لباس و غذا بیاورند. آنها می دانند که در پس دنیای آجری کوچکشان، درست ۴۰ کیلومتر آن طرف تر یکی از بزرگترین پایتخت های دنیا قرار دارد. اما بزرگی این شهر در نظر کودکانی که از گپواره تا گورا؛ چشمانشان تنها به روی خشت ها باز می شود؛ خشت هایی که برای ساکنان این شهر بزرگ خانه می سازد و آنها در خانه های گل گلی و زهوار در رفته کودکی خود را به نوجوانی و جوانی می سپارند.

صدلی های کنسرت مجید پراخی هنوز چیده نشده است که کودکان برای اولین بار شادی را زیر نور ماه و کوک سازها روی تل آجرها تجربه کردند. شبی که می دانستند دیگر تکرار نخواهد شد. چشمان متعجب شان وسایلی به غیر از شابلون های خشت زنی و فرغون آشنا شد و صداهایی که از این سازها به هوا برمی خواست به جای خستگی لبخند را روی لبانشان نقش می کشید و دستانی که در هوای گرد و خاک گرفته کوره پزخانه شمس آباد به نشانه شادی حرکات موزنی به خود می گرفت. گویی صدای موسیقی هرم گرما و صدای نخرانشیده کوره های آجرپزی را به سکوت دعوت کرده بود و دودکش هایی که از سال ها قبل هم خاموش شده بودند زیر نور سیمین گونه ماه زیبا شده بودند. خشت هایی که تن خود را از داغی کوره ها به مهتاب سپرده بودند هم گویی شاعر شده بودند و برای شرکت در کنسرت صف های خود را برهم زده بودند.

جاده سلاوه دو راهی است که هر یک راهش مسافران را برای فرورفتن در روزمرگی های زندگی شهری راهی می کند و یک راه دیگر مسافران را به دل روستاهایی می برد که همچنان در کنار جبهه بزرگ تهران رنجور و خاک آلود زندگی می گذرانند. شاید در آرزوهای مردمان روستاهای حریم شهر تهران زندگی در تهران یک رویای دست نیافتنی باشد؛ اما واقعیت زندگی برای آنها زندگی در روستاهایی فاقد کمترین امکانات رفاهی و خدماتی است که حتی حداقل های زندگی برای آنها نیز مهیا نشده است.

از جاده سلاوه دو راهی می شویم، روستای گلدسته اولین جایی است که دودکش های آسمانخراش آجرپزی آن تو را به یکبار به یک زندگی بدوی هل می دهد. حوالی روستای گلدسته دودکش های بلند کوره های آجرپزی آن روی دیگر سکه زندگی را به رخ می کشد. تصویری خاک آلود و غبار گرفته که با رنج کاری سخت در آمیخته و زندگی مردمانی را قالب می گیرد که تنها دلخوشی شان افزایش ارتفاع ردیف های آجری است. قدیمی های روستا می گویند؛ اینجا یکی از کوره های آجرپزی شمس آباد است.

جایی که هنوز تیغ آفتاب شهرپور ماه ماندن برای هر جنبنده ای را سخت و دشوار می کند اما در میان این زندگی دشوار هستند زنان و مردانی که به رسم اجداد ۷ هزار سال خود روی خاک داغ و زیر آفتاب سوزان، خشت روی خشت می گذارند تا روزگارشان ساخته شود.

می گویند هر جا که تمدنی شکل رفته اولین خشت این تمدن را کارگران بنا کرده اند. تاریخ تمدن کهن ایران زمین در طول تاریخ ۲۵۰۰ ساله خود وام تمدن با دستان پینه بسته خود شکل دادند و خشت روی خشت گذاشتند تا از پیشینیان چیزی به عنوان هویت تاریخی یک شهر و یا یک کشور به یاد بماند. سرگذشت مهم ترین برج ها و بناهای تاریخی قبل از ساخته شدن از کوره های آجرپزی رقم می خورد. چه تخت جمشید باشد چه طاق بستان.

کوره پزخانه های تهران هم قدمتی بیشتر از تن سالخورده تهران دارد. دودکش هایی که برای پیشینیان تنها جایی بود که می توانستند بر بلندای آن آسمان را لمس کنند؛ نزدیک به نیم قرن است که خیلی از آنها خاموش مانده اند. از زمانی که تکنولوژی سسر از زندگی مردم در آورد و فاصله رنج تولید و ساخت را به یک چشم برهم زدن کاهش داد؛ به همان اندازه کارگران تمدن ساز هم هنر سینه به سینه گشته خود را مجبور شدند برای همیشه فراموش کنند.

«لان کوره های آجر پزی کار نمی کنند، منتظر فروش آجرها هستیم... شش ماه از سال کوره ها کار می کنند و شش ماه از سال هم خاموش هستند... به فصل پاییز که می رسیم یک به یک کوره های آجر پزی خاموش می شود...» این حرف ها را علی می زند. نوجوانی که به گفته خودش روی همین خشت ها از مادری که جوانیش را در کوره های آجرپزی گذاشت؛ به دنیا آمده است.

علی نوجوانی است حدودا ۱۳ ساله که بیشتر دوست دارد انجمن های مردمی و مسئولان فکری به حال هم روستایی هایش کنند. دمبایی پاره ای به پا دارد و الان در میدان اسلامشهر و یا آزادی در کنار سایر کارگران بی کار آجرپزی منتظر است تا کارفرمایی پیدا شود تا آنها را سر خانه هایی ببرد که با همین آجرها ساخته می شوند. وارد خانه اش که می شویم؛ دخمه ای است با دیوارهای سیاه و پرده ای پاره که تنها حائل زندگی او و خواهرها و برادرهایش با بیرون است. «مرد اینجا نه لباسی درست و حسابی به تن دارند و نه کفشی به پا... اینجا حتی مردم در خانه های گل گلی و خرابه خود حمامی ندارند تا گرد و

بر اساس آمارهای مربوط به بودجه شورای شهر تهران و یک چار چوب تحلیلی:

هزینه تمام شده هر جلسه شورا شهر: ۳۹۰ میلیون تومان هزینه تمام شده نمایندگی ۴ ساله هر عضو شورا: ۵ میلیارد تومان

شورای شهر تهران برای مردم و شهر تهران واحد هزینه ها و فواید مختلف است. هزینه های مثل هزینه های جاری (دستمزد و حقوق اعضا و کارکنان دفاتر آنها و...)، هزینه های ساختار اداری - تشکیلاتی شورا (شورایاری ها و سمن ها)، هزینه تصمیمات، مصوبات و طرح های شورا (در صورت کارآمد بودن) و فوایدی چون نتایج ناشی از تصمیمات، مصوبات و طرح های شورا (در دو بعد نظارتی و قانونگذاری) در صورت کارآمد بودن و درست بودن آنها از نظر اجتماعی و اقتصادی. در این بین، کمی کردن این مولفه ها، به عنوان یک مسأله کلیدی مطرح است و در یک بررسی دقیق، با هزینه آشکار (درج شده در بودجه سالیانه شورا) و هزینه پنهان بر خورد می کنیم که یافتن هزینه های پنهان و فواید شورا، قضیه را مقداری بغرنج و پیچیده می کند چرا که بخش عمده ای از این دو مولفه قابلیت کمی کردن ندارد. برخی بر این باورند که می توان مصوبات و تصمیمات شورا را بر اساس یک سری شاخص ها قابل ارزیابی نمود که این کار در نوع خود نیازمند مطالعه و پژوهش جدی است. بر اساس مفاهیم علمی و عقلانی باید فواید آشکار و پنهان شورا بزرگتر و یا مساوی با هزینه های آشکار و پنهان شورا باشد. از آنجا که بخشی از معادله، قابل کمی کردن نیست باید ظیفی از نگاه های کیفی را مورد بررسی قرار داد که در این زمینه سه دیدگاه مطرح است: یک دیدگاه بر این باور است که «فواید ناشی از مصوبات و نظارت های مستمر شورا و اعضا آن عملاً چندین برابر هزینه های است که مردم شهر برای شورا می پردازند.» دیدگاه رقیب این است که کارنامه شورا از حیث شاخص هزینه و فایده قابل قبول نیست. به عبارت دیگر شورا کارایی لازم را نداشته است و می تواند در شرایط بهینه تری عمل نماید. یک دیدگاه دیگر بر این مدعا است که اساساً چهار چوب هزینه و فایده، معیار مناسبی برای قضاوت در خصوص عملکرد شورا نیست. و در خصوص نهاد شورا نمی توان حتی به فرض عدم اثربخشی بر روندها و فرآیندهای مدیریت شهری نهادی دیگر به جای آن گذاشت، معنای دقیق این گفتار این است که شوراها به عنوان بخشی از حقوق ملت برای تعیین سرنوشت خویش ایجاد می شود و به واسطه آنکه بخشی از مسئولیت حاکمیت برای مدیریت و پیشرفت کشور را انجام می دهد تحت هیچ شرایطی یک پروژه تلقی نمی شود و لذا با روش های ارزیابی پروژه های قابل ارزیابی نیست. در خصوص ارزش و ضرورت فعالیت نهادی چون شورای اسلامی شهر و روستا، که در ذات خود در برگیرنده ارزش ها و کارکردهای دیگری چون کارکرد ارزش فرهنگی، کارکرد ارزش معنوی، کارکرد ارزش اجتماعی، کارکرد ارزش نظارتی، کارکرد ارزش مدنی، کارکرد ارزش مقررات گذاری و مانند آن است، بایستی از روش ارزیابی عملکرد و تحقق و یا عدم تحقق کار ویژه های آن بهره جست.

دیدگاه نگارنده به عنوان فردی که مسائل شورا را از نزدیک پیگیری می کند در قدم اول ساختن معیاری نسبی برای افکار عمومی و شهروندان است که بر اساس این معیارها بتوانند قضاوت روشن تری در خصوص عملکرد شورا شهر داشته باشند که برای نیل به این هدف دو شاخص ارائه می شود: شاخص قیمت تمام شده (هزینه) هر جلسه شورای شهر تهران که این شاخص بر یک پایه تئوریک در اقتصاد استوار است. در زنجیره تولید یک خدمت یا کالا ممکن است نهاده ها و کالاهای واسطه ای متعددی مورد استفاده قرار گیرد که نهایتاً منجر به تولید یک کالای نهایی شود. بر بررسی دقیق نقش و کارکرد شورا در قانون می توان گفت محصول نهایی یا کالای نهایی شورای اسلامی شهر همان مصوبات آنهاست (در دو شکل طرح یا لایحه). اگر بخواهیم عینی تر این مفهوم را باز کنیم بدین صورت است که ما حاصل تلاش یک تشکیلات اداری با حدود ۴۰ نفر نیروی انسانی و یک ساختار کمیسیونی (مرکب از ۶ کمیسیون تخصصی) و ساعتها جلسه و... نهایتاً در جلسات (علنی و غیر علنی) به شکل مصوبات شورا می آید. بر اساس مفاهیم علمی این کالاهای نهاده ها و فرآیندهای واسطه بخشی از زنجیره تولید کالای نهایی محاسبه می شوند و در ارزش گذاری آنها علی الاصول به قیمت کالای نهایی توجه می شود.

البته برخی از اعضا شورا، ادوا شکل به این تکنیک محاسبه وارد می کنند؛ یکی اینکه اعضا شورا تعداد زیادی جلسات کارشناسی و کمیسویی داشته و در آنجا ساعت ها وقت می گذارند و مدعی هستند که در این روش، این تلاش آنها مورد محاسبه قرار نمی گیرد که به نظر نگارنده این اشکال چندان قابل قبول نیست و هر تلاشی که اعضا شورا به هر صورتی انجام می دهند نهایتاً در قالب مصوبات آنها قابلیت اجرایی و قانونی پیدا خواهد کرد. دیگر اینکه برخی از اعضا معتقدند بخش نظارتی شورا در این تکنیک مورد توجه قرار نگرفته است و این موضوع را اشکال اساسی این مدل می دانند. اما در پاسخ این دسته از منتقدان باید گفت؛ اگر منظور از نظارت، نظارت سیستمی و ضابطه مند باشد به طور معمول در مصوبات، طرح ها، و موضوع حسابرسی و مسائل مربوط به بودجه خود را نشان می دهد که این موارد نیز باید در جلسات شورا صورت عملی و قانونی پیدا کند. و اگر منظور از نظارت، باز دیدهای میدانی اعضا باشد، این بخش نیز در جلسات شورا به صورت تذکر مطرح می شود و اگر هم در جلسات شورا مطرح نشود بیشتر شامل نظارت های فردی اعضا می شود که نظارت های فردی (این چنینی) در مقیاس مسائل و مشکلات عظیم شهر تهران متغیر قابل توجهی نیست. بخش دیگر از وظایف نظارتی شورا هم مربوط به پیگیری مسائل و مشکلات مراجعه کنندگان مردمی به دفاتر اعضا است که این مورد اولاد در خصوص همه اعضا صدق نمی کند و از طرفی حجم مراجعات مردمی در مقام مقایسه با جمعیت میلیونی تهران عدد قابل توجهی نیست. می توان گفت که تنها اشکال وارده به این تکنیک در همین بخش نظارت شورا است (هر چند این اشکال کلیت مسأله را از بین نمی برد). البته با یک روش دیگر نیز می توان استدلال کرد که اشکال فوق خدشه چندانیه به مدل ما وارد نمی کند. همه اعضا شورا در پاسخ به نحوه و میزان حقوق دریافتی خود می گویند که دریافتی ما حق جلسه ای است. این نکته به معنای تأیید ضمنی مدل ما است. حال اگر بخواهیم بر اساس این شاخص قضاوت کنیم بایستی هزینه کل شورا در طول سال را بر تعداد جلسات شورا تقسیم کنیم. بودجه کل شورا (شورا، سمن ها، شورایاری ها و حسابرسی) در سال ۹۳ معادل سی و شش میلیارد تومان بوده است و تعداد جلسات شورا در این سال با کسر ایام تعطیل حدود ۹۲ جلسه می شود، از تقسیم این دو عدد به هم به عدد سیصد و نود میلیون تومان خواهیم رسید. بنابراین می توان گفت هزینه (قیمت) تمام شده هر جلسه شورای شهر تهران معادل سیصد و نود میلیون تومان است. اگر یک جلسه شورا را به طور متوسط سه ساعت فرض کنیم، آنگاه با تقسیم عدد سیصد و نود میلیون تومان بر این زمان هزینه هر دقیقه شورا معادل دو میلیون و صد و پنجاه هزار تومان خواهد بود. حال بر اساس این شاخص می توان مباحث و موضوعات مطرح شده در هر جلسه شورای شهر تهران را مورد ارزیابی قرار داد و در مورد آن قضاوت کرد. علاوه بر این می توان شاخص قیمت تمام شده (هزینه) عضویت چهار ساله هر عضو را بررسی کرد. شورا کنونی تهران مرکب از ۳۱ عضو است که به مدت چهار سال برای شورا انتخاب شده اند. اگر سرجمع بودجه شورا را در چهار سال عضویت بر تعداد اعضا تقسیم کنیم، در نتیجه، هزینه ای که برای عضویت هر عضو پرداخت می شود، به دست می آید. (البته این فقط هزینه ای است که شهر و مردم در طول دوره چهار ساله متحمل می شوند. و هزینه های قبل از آن یعنی هزینه های انتخابات و استقرار شورا در آن لحاظ نشده است). با محاسبه افزایش ده درصدی در بودجه سالیانه شورا سرجمع چهار سال معادل صد و پنجاه و دو میلیارد تومان است که با تقسیم این عدد بر تعداد اعضا، هزینه تمام شده عضویت هر عضو شورا (به مدت چهار سال) حدود پنج میلیارد تومان خواهد بود. و بر این اساس، عملکرد فردی هر عضوی می توان با مقایسه کمی و کیفی عملکرد این هزینه تمام شده مورد قضاوت و ارزیابی قرار داد. حال نکته کلیدی آن است که چه چیزی را باید با شاخص های ارائه شده، مقایسه کرد. برای پاسخ به این مسأله، باید در دو بخش به آن پرداخت. ابتدا بررسی هزینه (قیمت) تمام شده هر جلسه شورا به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی شورا و دیگری؛ شاخص قیمت (هزینه) تمام شده نمایندگی و عضویت که معیاری است برای بررسی عملکرد هر عضو شورا. برای محاسبه و ارزیابی هزینه تمام شده هر جلسه شورا، باید یک پایه و معیار منطقی و محکم تعریف کرد. برای تعریف این معیار فرض کنید که شورا اساساً وجود خارجی نداشته. در این حالت شهرداری و سیستم مدیریت شهری وظایف و سر فصل های کاری خود را با یک کیفیت انجام می داد و خروجی عملکرد آن، واجد یکسری مختصات کمی و کیفی بود. حال، شورا را به معادله مدیریت شهری اضافه کنید. در این حالت آنچه که باعث بهبود عملکرد کیفی و کمی شهرداری می شد، به عنوان سهم شورا از کارآمدی مدیریت شهری به تعریف می رسید. به عبارت دیگر، چنانچه قانونگذاری و نظارت باعث ایجاد تفاوت معنادار در خدمات رسانی سیستم شهری شود، آنگاه می توان چنین استدلال کرد که این بهبود محصول عملکرد شورا است و این بهبود در کمی و کیفیت خدمات رسانی را می توان با شاخص هزینه هر جلسه شورا مقایسه و قضاوت کرد. اینجا، این افکار عمومی و نخبگان هستند که باید این دو شاخص را با هم مقایسه کنند و به کارنامه کلی شورا نمره دهند که در این بخش، شورا می توانست بسیار بهینه تر عمل کند.

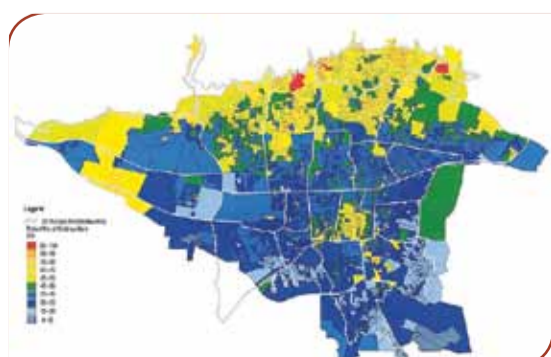
اما در ارزیابی شاخص قیمت (هزینه) تمام شده نمایندگی و عضویت، ضروری است که چهار چوب های ملموسی برای عملکرد هر عضو تعریف و تبیین کرد. معیارهایی چون اظهار نظر، موافقت و مخالفت در جلسات علنی و میزان مشارکت در گفتگوها و تصمیم گیری ها، تذکرات به شهرداری و نتایج آن، نطق پیش از دستور و موضوعات اصلی نطق، بازدید از پروژه های شهری و نتایج و آثار بازدیدها، کیفیت و میزان تأثیر گذاری و حضور در کمیسیون های تخصصی شورا و نتایج و کارکردهای آن، میزان حضور در مجامع عمومی و در میان مردم و محلات و کیفیت و کمیته رسیدگی به مسائل و مشکلات آن ها، حجم مراجعات مردمی به دفاتر عضو و نحوه پاسخگویی به مطالبات و مشکلات آن ها، کمیته و کیفیت حضور در رسانه ها و نشریات و میزان تعامل با آن ها و نتایج و کارکردهای آن. حال بایستی با مقایسه این معیارها با هزینه تمام شده برای هر عضو به قضاوت دقیق رسید. به نظر می رسد، برخی اعضای شورا در دو سال گذشته در حد بهینه عمل کرده اند و کارنامه قابل قبولی دارند و برخی از آنها در حد سرریه سستی عمل نموده و تعدادی نیز در پایین تر از هزینه انجام شده منشا تأثیر بوده اند. گرچه تحلیل هزینه - فایده یک روش ارزیابی پروژه است که عمدتاً برای بررسی پروژه های اقتصادی به کار می رود که عمدتاً قابلیت کمی کردن دارند اما می توان از این روش به عنوان یک چار چوب عقلانی و منطقی برای قضاوت کردن در خصوص نهادها و سازمان های اجتماعی - سیاسی استفاده کرد. گرچه ممکن است به کارگیری تحلیل فوق در این موارد تا حدی مناقشه برانگیز باشد.

بر اساس آمارهای مربوط به بودجه شورای شهر تهران و یک چار چوب تحلیلی: هزینه تمام شده هر جلسه شورای شهر: ۳۹۰ میلیون تومان هزینه تمام شده نمایندگی ۴ ساله هر عضو شورا: ۵ میلیارد تومان



همه شهر داران شهر تهران

- | | | | |
|---------------------------------------|------------------------|--------------------------|------------------------------|
| ۱- میرزا عباس خان مهندس باشی | حدود ۱۲۸۷ | ۲۹- سرلشکر محمود دولو | ۱۳۳۵ (۱۸ ماه) |
| ۲- دکتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله | | ۳۰- موسی مهمان | ۱۳۳۷ الی ۱۳۳۸ (۲۰ ماه) |
| ۳- ابراهیم خان یمین السلطنه | ۱۲۹۲-۱۲۸۹ (۳۶ ماه) | ۳۱- ناصر ذوالفقاری | ۱۳۳۸ الی ۱۳۳۹ (۱۲ ماه) |
| ۴- موسیوایپکیان | ۱۲۹۹-۱۲۹۲ (۷۲ ماه) | ۳۲- فتح الله فرود | ۱۳۳۹ الی ۱۳۴۰ (۵ ماه) |
| ۵- سرتیپ آقا خان بوذرجمهری | ۱۳۰۲-۱۳۰۰ (۲۴ ماه) | ۳۳- سید محسن نصر | ۱۳۴۰ الی ۱۳۴۱ (۱۴ ماه) |
| | ۱۳۱۲-۱۳۰۲ (۱۲۰ ماه) | ۳۴- احمد نفیسی | ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۲ (۱۹ ماه) |
| ۶- سرتیپ قلی هوشمند | ۱۳۱۷-۱۳۱۳ (۴۸ ماه) | ۳۵- علی اکبر توانا | ۱۳۴۲ (۳ ماه) |
| ۷- تقی خواجه نوری | ۱۳۱۷ (یک ماه) | ۳۶- ضیاء الدین شادمان | ۱۳۴۲ الی ۱۳۴۴ (۱۴ ماه) |
| ۸- قاسم خان صور اسرافیل | ۱۳۱۹-۱۳۱۷ (۲۴ ماه) | ۳۷- تقی سرلک | ۱۳۴۴ الی ۱۳۴۶ (۲۵ ماه) |
| ۹- علی اصغر فروزان | ۱۳۲۰-۱۳۱۹ (۱۳ ماه) | ۳۸- سرتیپ محمد علی صفاری | ۱۳۴۶ (۷ ماه) |
| ۱۰- مصطفی قلی رام | ۱۳۲۰ (یک ماه) | ۳۹- منوچهر پیروز | ۱۳۴۶ الی ۱۳۴۷ (۱۰ ماه) |
| ۱۱- محمد سجادی | ۱۳۲۱-۱۳۲۰ (۱۵ ماه) | ۴۰- جواد شهرستانی | ۱۳۴۷ الی ۱۳۴۸ (۱۱ ماه) |
| ۱۲- سید مهدی عمادالسلطنه (مشیر فاطمی) | ۱۳۲۱ (۷ ماه) | ۴۱- غلامرضا نیک پی | ۱۳۴۸ الی ۱۳۵۶ (۱۳۵۷) (۷ ماه) |
| ۱۳- فضل الله بهرامی | ۱۳۲۲ (۵ ماه) | ۴۲- جواد شهرستانی | ۱۳۵۶ الی ۱۳۵۷ (۲۴ ماه) |
| ۱۴- عباسقلی گلشائیان | ۱۳۲۲ الی ۱۳۲۳ (۵ ماه) | ۴۳- محمد توسلی | ۱۳۵۷ (کمیتر از یک ماه) |
| ۱۵- غلامحسین ابتهج | ۱۳۲۳ الی ۱۳۲۴ (۱۶ ماه) | ۴۴- سید رضا زواره ای | ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۰ (۷ ماه) |
| ۱۶- محمود نریمان | ۱۳۲۴ (۳ ماه) | ۴۵- کمال الدین نیک روش | ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۱ (۱۳ ماه) |
| ۱۷- مهدی مشایخی | ۱۳۲۴ الی ۱۳۲۶ (۱۹ ماه) | ۴۶- غلامحسین دلجو | ۱۳۶۱ الی ۱۳۶۲ (۹ ماه) |
| ۱۸- محمد خلعتبری | ۱۳۲۶ (۵ ماه) | ۴۷- محمد کاظم سیفیان | ۱۳۶۲ (۴ ماه) |
| ۱۹- حسام الدین دولت آبادی | ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۸ (۲۵ ماه) | ۴۸- حسین بنکدار | ۱۳۶۲ (۴۴ ماه) |
| ۲۰- محمد مهران | ۱۳۲۸ الی ۱۳۲۹ (۴ ماه) | ۴۹- محمد نبی حبیبی | ۱۳۶۶ الی ۱۳۶۸ (۱۶ ماه) |
| ۲۱- مهدی نامدار | ۱۳۲۹ الی ۱۳۳۰ (۹ ماه) | ۵۰- سید مرتضی طباطبائی | ۱۳۶۸ الی ۱۳۶۸ (۱۰۸ ماه) |
| ۲۲- ارسلان خلعتبری | ۱۳۳۰ (۱ ماه) | ۵۱- غلامحسین کرباسچی | ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۸ (۱۰۸ ماه) |
| ۲۳- محمد مهران | ۱۳۳۰ الی ۱۳۳۱ (۱۵ ماه) | ۵۲- مرتضی الویری | ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ (۳۲ ماه) |
| ۲۴- نصرالله امینی | ۱۳۳۱ الی ۱۳۳۱ (۱۲ ماه) | ۵۳- محمد حسن ملک مدنی | ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۱ (۱۰ ماه) |
| ۲۵- سید محسن نصر | ۱۳۳۲ (۵ ماه) | ۵۴- محمد حسین مقیمی | |
| ۲۶- سرتیپ محمد علی صفاری | ۱۳۳۲ الی ۱۳۳۲ (۵ ماه) | | |
| ۲۷- غلامحسین ابتهج | ۱۳۳۳ الی ۱۳۳۴ (۱۳ ماه) | | |
| ۲۸- نصرت الله منتصر | ۱۳۳۴ (۷ ماه) | | |



پدیده

حکایت وصال تهران و دی

احساس متفاوت شور ایاران منطقه ۲۰ از عدالت در تهران



اقدام شود... تسهیلات ویژه فعالان اقتصادی

اطمینان تسهیلات جهت: خرید و تجهیز دفتر کار، خرید دستبند و ماشین آلات صنعتی و کشاورزی، خرید وسایل نقلیه عمومی، تکمیل، تجهیز و بازسازی واحدهای مسکونی، اجاری و تجاری، خرید کالای سرمایه ای و تجهیز محل کسب



پدیده

اداره پایتخت با آسمان فروشی

اقدام شود... تسهیلات ویژه فعالان اقتصادی

اطمینان تسهیلات جهت: خرید و تجهیز دفتر کار، خرید دستبند و ماشین آلات صنعتی و کشاورزی، خرید وسایل نقلیه عمومی، تکمیل، تجهیز و بازسازی واحدهای مسکونی، اجاری و تجاری، خرید کالای سرمایه ای و تجهیز محل کسب



شورایاری: تهدید یا فرصت

دو بررسی پرونده حسابرسی سال ۹۲ کدامیک به حقیقت نزدیک است؟

بزرگترین تخلف مالی تاریخ شهرداری تهران

دعوی سیاسی-مالی

گزارش حسابرس شورای شهر از سه ضلع مثلث برمودا:

- شرکت نوسازی اراضی عباس آباد
- شرکت بهره برداری مترو
- و شرکت توسعه فضاهای فرهنگی



Special Cases پرونده ویژه

پدیده

برای کوهی از مشکلات ۵۶ میلیارد تومان

منطقه ۱۸ هزار تکه دایره ای است

هزینه هر روز خدمات شهری در تهران ۷/۵ میلیارد تومان

چرا شورای شهر تهران توان شفاف سازی موضوع واگذاری املاک در شهرداری را ندارد؟



سازمان آگهی های هفته نامه «پدیده شهر» ۸۸۳۲۰۶۵۴

پدیده

کارگرها و تهدیدات محیط زیستی دریاچه خلیج لارس

منطقه ۲۲ قلمک یا تفرجگاه تهران!

دو نگاه متضاد به فرایند توسعه منطقه ۲۲

شهرداری تهران ترمه می کند

می خواهند موتور شهرداری را خاموش کنند!



پدیده

همان خواننده است؟

یافت مسکونی قلب تهران در آستانه نابودی

اقدام شود... تسهیلات ویژه فعالان اقتصادی

اطمینان تسهیلات جهت: خرید و تجهیز دفتر کار، خرید دستبند و ماشین آلات صنعتی و کشاورزی، خرید وسایل نقلیه عمومی، تکمیل، تجهیز و بازسازی واحدهای مسکونی، اجاری و تجاری، خرید کالای سرمایه ای و تجهیز محل کسب



پدیده

صدای محله های تهران است

آقای رئیس جمهور! حداقل برای همین یک بار با شهردار تهران توافق کنید

دولت زبانی و اتحاد بر زبان لب خندان

مشکل اساسی برزسی فراتر از مسئله فریادهای یکبارچه است



پدیده

تاریخچه و سیر تحول

تاریخچه و سیر تحول

تاریخچه و سیر تحول

